

هنوز راه طولانی فرا روی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان



© UNAMA



هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان

کابل - افغانستان
دسمبر ۲۰۱۲

هنوز راه طولانی فرا روی
تطبیق قانون منع خشونت علیه زن
در افغانستان



هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان

کابل - افغانستان
دسمبر ۲۰۱۲

فهرست موضوعات

I.....	اصطلاحات:	۱
II.....	ماموریت:	۱۱
III.....	روش شناسی:	۱۱
۱.....	۱. خلاصه گزارش	۱
۷.....	۲. زمینه	۷
۹.....	۱.۲. چارچوب قانونی:	۹
۹.....	۲. ۱. ۱. قانون منع خشونت علیه زن:	۹
۱۰.....	۲. ۱. ۲. نواقص قانون منع خشونت علیه زن	۱۰
۱۱.....	۲. ۱. ۳. مکلفیت ها و تعهدات حقوقی بین المللی	۱۱
۱۲.....	۳. یافته ها راجع به تطبیق قانون منع خشونت علیه زن	۱۲
۱۲.....	۱.۳. ثبت قضایای خشونت علیه زنان	۱۲
۱۵.....	۲.۳. تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط خرنوالان و محاکم	۱۵
۱۸.....	۳.۳. روند، الگو و انواع واقعات خشونت علیه زنان	۱۸
۲۳.....	۴. دسترسی زنان قربانی به عدالت	۲۳
۲۳.....	۱.۴. سلطه ساختارهای سستی حل منازعات	۲۳
۲۴.....	۲.۴. کنترل روز افزون شورشیان و ناامنی در بعضی مناطق	۲۴
۲۵.....	۳.۴. چالشها در پولیس، خرنوالی و محاکم	۲۵
۲۵.....	الف. میانجیگری و انصراف از شکایات	۲۵
۲۶.....	ب. معافیت از مجازات به دلیل عدم توازن قدرت و فساد مورد ادعا	۲۶
۲۸.....	ج. فقدان مهارت، ظرفیت و قابلیت	۲۸
۲۹.....	د. نگرش تبعیض آمیز و اولویت پایین	۲۹
۲۹.....	ه. آگاهی پایین از قانون منع خشونت علیه زن و خشونت علیه زنان	۲۹
۳۲.....	۵. کمیسیون منع خشونت علیه زنان	۳۲
۳۳.....	۱.۵. ریاست های امور زنان	۳۳
۳۴.....	۶. نتیجه گیری	۳۴
۳۵.....	۷. سفارشات	۳۵

اصطلاحات:

شریعت	قواعد برگرفته شده از قرآن، سنت و آموزه های اسلامی.
زنا	مقاربت جنسی خارج از رابطه زوجیت.
حد	مجازات که نوع، میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده و الزامی می باشد. به قول مشهور هفت نوع جرم مستوجب مجازات حد می باشد مانند: زنا، سرقت، قذف، قطاع الطریقی، بغی، سکر و ارتداد.
تعزیر	مجازات که اندازه و کیفیت آن توسط حاکم تعیین میگردد.

ماموریت:

دفتر هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما)، ماموریت خویش را از قطعنامه ۲۰۴۱ (۲۰۱۲) شورای امنیت سازمان ملل متحد کسب میکند که مشعر است:

نظارت از وضعیت افراد ملکی، هماهنگی تلاشها برای حفاظت آنها، بهبود حساسدهی، و حمایت دولت افغانستان جهت تحقق کامل آزادی های اساسی و حقوق بشری مندرج در قانون اساسی افغانستان و معاهدات بین المللی که افغانستان جانب آن میباشد، مخصوصاً آن دسته از معاهدات که راجع به برخورداری کامل زنان از حقوق بشری شان اند.

قطعنامه ۲۰۴۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد به طور خاص بر لزوم حمایت و حفاظت از حقوق زنان و دختران افغان و حمایت از آنها در برابر خشونت و سوء استفاده؛ تاکید میکند:

۴۲. با اذعان بر اینکه با وجود پیشرفت در عرصه تساوی جنسیتی، تلاشهای بیشتر به شمول تلاشهای قابل پیمایش و معطوف به هدف، برای تأمین حقوق زنان و دختران در افغانستان ضروری میباشد تا بتوان تضمین کرد که تمام زنان و دختران در افغانستان در برابر خشونت و بد رفتاری محفوظ اند و از حمایت های قانونی و دسترسی به عدالت به طور مساویانه برخوردارند، قویاً تبعیض و خشونت علیه زنان و دختران را نکوهش میکند.

۴۳. تعهدات دولت افغانستان در قبال.... تدوین یک راهبرد برای تطبیق کامل قانون منع خشونت علیه زن به شمول ارائه خدمات برای قربانیان را مورد ستایش قرار میدهد. همچنین یادآور می شود که تقویت و حفاظت حقوق زنان بخش جدا ناپذیر صلح، مصالحه و ادغام مجدد است.

یوناما بر تمام ابعاد حقوق زنان در داخل چهار اولویت کاری خویش توجه مبذول میدارد، اما به مبارزه با خشونت علیه زنان و توانمند ساختن آنها برای اشتراک در امور جمعی اولویت ویژه قایل اند. یوناما در طی دو سال گذشته براساس نظارت دوامدار از طریق هشت دفتر ساحوی خویش سه گزارش عمومی منتشر نموده است که در آن رفتارها و رسوم مضر برای زنان و دختران را مستند سازی نموده و پیشرفت دولت در امر مساعد ساختن محافظت های قانونی برای قربانیان این نوع تخطی ها را ارزیابی نموده است.^۱

در نوامبر ۲۰۱۱ یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر گزارشی را تحت عنوان "راه طولانی فرا روی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن"^۲ به نشر رساند که یافته های خویش را راجع به تطبیق قانون مذکور توسط ارگانهای عدلی و قضایی در دوره بین مارچ ۲۰۱۰ تا سپتامبر ۲۰۱۲، در آن گزارش ارائه نمود. گزارش ۳۱ سفارش را به ارگانهای دولتی مربوطه، تمویل کنندگان و جامعه بین المللی جهت بهبود تطبیق این قانون ارائه نمود.

^۱ - راه طولانی فرا روی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان،

<http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/Documents/A%20Long%20Way%20to%20Go%20-%20Implementation%20of%20EVAW%20law%20UNAMA%20Nov%202011-Dari.pdf>

^۲ - عرف و عتعات ناپسند و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان

<http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/human%20rights/Harmful%20Traditional%20Practices%20and%20EVAW%20Law%20-%20Dari.pdf>

^۳ - خاموشی خشونت است، به بد رفتاری علیه زنان در افغانستان خاتمه دهید.

<http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/human%20rights/vaw-dari.pdf>

^۲ گزارش مشترک یوناما و کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر تحت عنوان "راه طولانی فرا روی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان" در نوامبر ۲۰۱۱ نشر گردید. تمام ارجاعات که به این گزارش تحت عنوان "گزارش یوناما" صورت گرفته، در واقع منظور آن گزارش مشترک مزبور می باشد.

روش شناسی:

این گزارش خلاصه‌ای از وضعیت خشونت علیه زنان در افغانستان و روند تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط دولت افغانستان در روشنایی قضایای گزارش شده‌ی خشونت علیه زنان در مراحل مختلف رسیدگی قضایی را بیان میکند. گزارش یک دوره‌ی بین اکتوبر ۲۰۱۱ تا سپتامبر ۲۰۱۲ را در بر میگیرد. یوناما، معلومات‌های آماری و کیفی را راجع به چگونگی ثبت و تحقیق قضایای خشونت علیه زنان و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط خانونالان، قضات و پولیس از ۲۲ ولایت، جمع آوری نموده است. از ۱۶ ولایت از جمله این ۲۲ ولایت یوناما معلومات مفصلتر از پولیس، خانونالان و محاکم راجع به قضایای رسیدگی شده بر اساس قانون منع خشونت علیه زن جمع آوری و تحلیل نمود.^۳

برای جمع آوری معلومات یوناما همچنان بیشتر از ۲۰۰ جلسه و مصاحبه را با قربانیان خشونت علیه زنان، خویشاوندان آنها، متهمین، داکتران در شفاخانه‌های دولتی، رؤسا یا نمایندگان ریاست امور زنان در ولایات، نمایندگان ریاست صحت عامه، پولیس ملی افغانستان و اداره تحقیقات جنایی آن، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، خانونالان، قضات در محاکم شهری، وکلای مدافع، نمایندگان نهادهای مساعدتهای حقوقی، مؤسسات داخلی و بین المللی، ادارات سازمان ملل متحد و ژورنالیستان انجام داد.

این گزارش مدعی این نیست که یک ارزیابی کامل از وضعیت خشونت علیه زنان در دوره‌ی بین اکتوبر ۲۰۱۱ تا سپتامبر ۲۰۱۲ در افغانستان را ارائه میکند. معلومات جمع آوری شده از مصاحبه‌ها و ملاقات‌ها نشان میدهد که خشونت علیه زنان به طور گستره گزارش نشده باقی می ماند. آن عده از واقعات خشونت علیه زنان که به ارگانهای مجری قانون و مقامات عدلی و قضایی گزارش می شود و یا توجه عمومی را از طریق رسانه‌ها جلب میکند، نشان دهند فیصدی اندک از کل اینگونه واقعات می باشند. یوناما به این نظر است که جمع آوری اطلاعات هرچه بیشتر به طور دقیق، منظم و سیستماتیک ضرورت مبرم برای درک بهتر درجه، طبیعت و وسعت عوامل خشونت علیه زنان می باشد که می تواند بعداً در ارائه اصلاحات و راه حلها موثر واقع گردد.^۴

چالشها در جمع آوری معلومات:

با وجود سروکار داشتن مستمر دفتر یوناما با مقامات افغان و گفتگو راجع به ماموریت دفتر یوناما جهت نظارت بر نقض حقوق بشر، مقامات در بسیاری از مناطق در تشریک معلومات مربوط به خشونت علیه زنان با بی میلی و احتیاط عمل نمودند. دلایل آن را می توان اکثراً دو مورد دانست: برداشت اینکه اجراءات فردی مجریان قانون در صورت تشریک معلومات مورد قضاوت قرار گیرد؛ و عدم ثبت درست قضایای خشونت علیه زنان، مخصوصاً فقدان یک سیستم اختصاصی، معیاری و دقیق مدیریت قضایا که توسط تمام نهادهای ذیدخل در رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان مورد استفاده قرار گیرد. یوناما قادر نشد که معلومات جامع و مفصل را راجع به ثبت و پیگیری واقعات خشونت علیه زنان و تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان را از هریک از ادارات ذیربط به شمول ریاست های امور زنان، پولیس ملی افغانستان، خانونالی ها و محاکم به دلایل چون سطح متفاوت همکاری این ادارات با یوناما، دسته بندی مختلف از تخطی ها به عنوان واقعات خشونت علیه زنان و نواقص در مدیریت و حفظ و نگهداری قضایا؛ جمع آوری کند. حصول معلومات به طور مستقیم از بعضی از محاکم شهری ممکن نبود و در این گونه موارد یوناما بر معلومات منابع دسته دوم اتکاء نمود.

آمارهای جمع آوری شده از نهادها اکثراً شامل ترکیبی از قضایای مدنی و قضایای جزایی خشونت علیه زنان می باشد. بدون موجودیت یک نظام مدیریت معیاری و درست قضایا چه در هر اداره مربوطه به طور جداگانه و چه در تمام ادارات ذیربط به طور مشترک، ردیابی نتیجه رسیدگی به یک قضیه دشوار بود. یوناما دریافت که پیگیری قضایای خشونت علیه زنان، زمانیکه از یک اداره به اداره دیگر منتقل می شود، بسیار ضعیف است. این وضعیت مبین یک خلاء بزرگ در ارائه پاسخ موثر و جامع

^۳ این ۱۶ ولایت عبارت اند از: بدخشان، بادغیس، بامیان، دایکندی، فراه، غور، جوزجان، کاپیسا، خوست، کنر، لغمان، ننگرهار، پکتیکا، پکتیا، پروان و سمنگان.

^۴ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گزارش دادند که در هفت ماه اول سال ۱۳۹۱ خورشیدی ۴۰۱۰ قضیه خشونت علیه زنان را ثبت نموده است. معیار ثبت قضایای خشونت علیه زنان در این نهاد با معیار ثبت قضایا توسط پولیس و خانونالی عین هم نیستند. معلومات داده شده توسط کمیسیون در سایت ذیل موجود می باشد.
http://www.8am.af/index.php?option=com_content&view=article&id=28666:---28--&catid=1:title&Itemid=553

توسط دولت به قربانیان خشونت علیه زنان و همچنین خلاء در تلاشها به منظور تضمین محافظت حقوقی کامل برای قربانیان مذکور میباشد.

یونامادر جمع آوری معلومات دقیق از همه ۳۴ ولایت افغانستان با چالش مواجه شد و در نتیجه تحلیلی از معلومات کلی از ۲۲ ولایت را ارائه میکند. همچنین دشوار بود که مجموعه ای از معلومات مشابه را از هر یک از ادارات دولتی در سراسر افغانستان جمع آوری کرد که همین امر تحلیل مقایسوی و استفاده از معیارهای واضح برای ارزیابی شاخص های مشترک پیشرفت در هر معیار را با مشکل مواجه ساخت.

به طور مثال ولایات که یوناما از پولیس، خارنوالی و محاکم آن ولایات معلومات دریافت کرد، اندک متفاوت می باشد. در ولایات پکتیکا و کابل یوناما از خارنوالی معلومات دریافت کرد ولی از پولیس دریافت نکرد یا خارنوالی در ولایات نیمروز و کندهار از تشریک معلومات با یوناما خود داری کردند، درحالیکه درهمین ولایت معلومات راجع به واقعات خشونت علیه زنان از پولیس دریافت گردید. علیرغم درخواست، هیچ معلومات توسط محاکم شهری در قندهار و کابل شریک نگردید.

با وجود استفاده از میتودولوژی؛ موجودیت و در دسترس بودن معلومات و تحلیل به کار رفته توسط یوناما در این گزارش و گزارش قبلی آن - راه طولانی فراروی تطبیق قانون منع خشون علیه زن درافغانستان- کاملاً یکسان نیست که در نتیجه مقایسه مستقیم یافته های گزارشهای متذکره را دشوار ساخت. با آن هم یوناما توانست که براساس یافته های خویش در طی دو نیم سال که توسط این دو گزارش پوشش داده شده، تطبیق قانون منع خشونت علیه زن را مورد مقایسه و ملاحظه کلی قرار دهند.

درذیل لیست ولایات است که یوناما در آن ولایات معلومات از پولیس، خارنوالی و محاکم جمع آوری نمود.

یادداشت: هیچ معلومات از ارگان مربوطه در ولایات که به رنگ آبی مشخص شده، بدست نیامده است.

پولیس	بلخشان	بادغیس	پنج	بامیان	دایکندی	فراه	غلری	هرات	جوزجان	کندهار	کابل	کاپیسا	خوست	کنر	لغمان	زنگرهار	نیمروز	پکتیکا	پکتیا	پروان	مستگان	تخار	
خارنوالیها																							
محاکم																							



۱. خلاصه گزارش

من پنج ماه پیش با یک مرد در قریه سوه ولسوالی انجیل ازدواج کردم. شوهر و خسر من چندین بار مرا بدون هیچ دلیلی لٹ و کوب کردند. بد رفتاری های مکرر آنها مرا مجبور ساخت که شکایت کنم، شکایت من بی فایده بود زیرا که خرنوال درخواست مرا نادیده گرفت و به من اخطار داد که یا شکایت خود را پس بگیرم و یا زندانی می شوم.

-- یک دختر ۱۵ ساله متاهل که ضرب و جرح را تجربه کرده و بعداً در نتیجه خودسوزی جان داد، ولایت هرات، آگست ۲۰۱۲.^۵

دولت افغانستان تعهد اساسی خود نسبت به حمایت و حفاظت از حقوق زنان و برابری زنان در برابر قانون را با تصویب قانون منع خشونت علیه زن در آگست ۲۰۰۹ و دیگر اقدامات نشان داد.^۶ این قانون مهم برای اولین بار در افغانستان ازدواج اطفال، ازدواج اجباری، خودسوزی اجباری و ۱۹ نوع دیگر از خشونت علیه زنان به شمول تجاوز جنسی را جرم دانسته و برای مرتکبین آنها مجازات تعیین کرده است.

با توجه به گستردگی وقوع خشونت علیه زنان در افغانستان و مقاومت در برابر حقوق زنان در سطوح مختلف جامعه، ارزیابی دوره ای از پیشرفت در اجرای قانون منع خشونت علیه زن، که در چارچوب تعهد حسابدی دوجانبه توکیو (Tokyo Mutual Accountability Framework) در جون ۲۰۱۲ نیز مورد تأکید قرار گرفت، ضروری است. رفتارهای زیان آور و خشونت علیه زنان در افغانستان برای مدت زمان طولانی زنان را از مشارکت در زندگی اجتماعی باز داشته و مانع رسیدن صدای آنها به گوش تصمیم گیران و مجامع سیاسی شده است. پیشرفت در اجرای قانون منع خشونت علیه زن می تواند در توانمند سازی زنان برای ایفای نقش مهم و حیاتی در پروسه های جاری صلح و آشتی کمک نماید. ملل متحد مکرراً بر ضرورت تضمین مشارکت مساوی زنان و دخیل ساختن کامل آنها در کوشش ها برای استقرار و پیشبرد صلح و امنیت پایدار و همچنین ضرورت افزایش نقش آنها در تصمیم گیری و در جلوگیری از درگیری و ختم آن تأکید کرده است.

این گزارش اجرای قانون منع خشونت علیه زن توسط مقامات قضایی و دیگر مجریان قانون را در جریان اکتبر ۲۰۱۱ تا سپتمبر ۲۰۱۲ مورد بررسی قرار داده و چالشهایی که زنان افغان در دسترسی به عدالت با آن مواجه هستند را شناسایی نموده است. تحلیل گزارش بر اساس معلومات جمع آوری شده از ۲۲ ولایت از مجموع ۳۴ ولایت افغانستان صورت گرفته که گزارشدهی، ثبت و رسیدگی قضایی مبتنی بر قانون منع خشونت علیه زن و قانون جزاء را که توسط پولیس ملی، دفاتر خرنوالی و محاکم ابتدایی نسبت به قضایای نمونه (Sample) خشونت علیه زنان انجام شده برجسته می سازد.^۷ در شانزده ولایت از ۲۲ ولایت متذکره، یوناما معلومات مفصل تری را از پولیس، خرنوالی و محاکم راجع به قضایای طی مراحل شده بر اساس قانون منع خشونت علیه زن (تطبیق این قانون) به دست آورد.^۸ علاوه بر آن این گزارش، نقش مهم و برجسته ریاست های امور زنان و کمیسیون های منع خشونت علیه زنان در ولایات را نیز تبیین نموده است. این گزارش همچنین یافته های یوناما را که در گزارش قبلی آن راجع به

^۵ سادات، یک دختر متاهل پانزده ساله که قربانی ضرب و جرحی بوده که وی را مجبور ساخت تا در ۱۶ فیبروری ۲۰۱۲ خودسوزی کند. او برای تداوی به ترکیه فرستاده شد اما سرانجام در ۲۳ فیبروری ۲۰۱۲ جان داد. قضیه وی به وسیله یوناما نظارت شد.

^۶ اقدامات دیگر دولت شامل ایجاد و ضابطه مند ساختن کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان و ایجاد دفاتر ولایتی آن در جون ۲۰۱۰، ایجاد خرنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در لوی خرنوالی در مارچ ۲۰۱۰، تنظیم مقرره مراکز حمایتی زنان در ۲۰۱۱، مقرره مساعدت های حقوقی، فرمان شماره ۴۵ رئیس جمهور در رفع فساد در جولای ۲۰۱۲، ایجاد واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی در پولیس ملی و ایجاد واحدهای جندر در وزارت ها و دیپارتمنت های مختلف می باشد. ^۷ یوناما معلومات را تنها از ۲۲ ولایت از مجموع ۳۴ ولایت به دلایل چون محدودیت در دسترسی به بعضی مناطق افغانستان، نبود همکاری توسط مقامات انفاذ قانون، و چالشها در جمع آوری و دسترسی به اطلاعات به دست آورده است. این گزارش ادعا ندارد که تصویر کامل را از وضعیت خشونت علیه زنان در افغانستان ارائه می کند. برای معلومات بیشتر به بخش روش شناسی این گزارش مراجعه کنید.

^۸ رجوع کنید به پاورقی شماره ۳

تطبیق قانون منع خشونت علیه زن که در نوامبر ۲۰۱۱ تحت عنوان «راه طولانی فراوری تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان» نشر گردید، به روز می سازد.

گزارش فعلی هم پیشرفت مثبت و هم نارسایی های دوامدار در اجرای قانون منع خشونت علیه زن توسط نهادهای عدلی و قضایی را طی دوازده ماه گذشته - اکتبر ۲۰۱۱ الی سپتامبر ۲۰۱۲ در یافته است. هر چند خانونوالان و محاکم به طور روزافزون قانون مذکور را در قضایای خشونت علیه زنان که به طور فزاینده گزارش و ثبت می شوند اجرا می کنند، اما به در کل سطح تطبیق قانون مذکور همچنان پایین است و این مسئله نشان می دهد که هنوز هم زنان و دختران در افغانستان برای برخورداری از حمایت کامل قانون در مقابل خشونت راه درازی درپیش دارند.

واقعات خشونت علیه زنان همچنان تا حد زیادی گزارش نشده باقی می ماند و دلایل آن هم موانع فرهنگی، تابوها و هنجارهای اجتماعی، باورهای سنتی و مذهبی، تبعیض علیه زنان می باشد که منجر به قبولی گسترده ی خشونت علیه زنان، ترس از بدنامی و رانده شدن از جامعه و گاهی اوقات تهدید علیه زندگی آنها می گردد. آن واقعات که به مقامات انفاذ قانون و مقامات قضایی می رسند یا توجه عمومی را از طریق رسانه ها به دلیل انگشت نما شدن به خود جلب می کنند، تنها نشان دهنده رقم معلوم (نوک کوه یخی شناور از) واقعات خشونت علیه زنان در سراسر کشور است.

با این وجود، تعداد واقعات خشونت علیه زنان که به ارگانها و نهادهای معین^۹ گزارش می شوند، در طی دوره مربوط به این گزارش رو به افزایش بوده است که این (افزایش گزارش دادن) خود یک انکشاف دلگرم کننده است. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ۴۰۱۰ قضیه خشونت علیه زنان را طی مدت هفت ماه اول سال جاری خورشیدی (۲۱ مارچ - ۲۱ اکتبر ۲۰۱۲) ثبت کرده است این در حالیست که نهاد متذکره ۲۲۹۹ قضیه را در طول سال خورشیدی ۱۳۹۰ (از ۲۱ مارچ ۲۰۱۰ تا ۲۱ مارچ ۲۰۱۱) ثبت کرده بود.^{۱۰} افزایش در گزارشدهی این واقعات ممکن است نتیجه افزایش آگاهی عامه و حساسیت در قبال خشونت علیه زنان و نتایج زیان آور آن و یا افزایش در آگاهی از حقوق زنان در نتیجه کوشش های نهادهای جامعه مدنی، دولت و فعالان بین المللی باشد. با توجه به دلایل فوق، ممکن است افزایش در گزارشدهی ضرورتا انعکاس دهنده افزایش واقعی در واقعات خشونت علیه زنان نباشد.

مشاهدات یوناما نشان می دهد که خانونوالان در ۲۲ ولایت ۱۵۳۸ واقعه گزارش شده ی خشونت علیه زنان را ثبت کرده اند.^{۱۱} این نشان دهنده افزایش آشکار در ثبت واقعات گزارش شده در مقایسه با یافته های سابق یوناما است که در آن خانونوالان ۵۲۹ واقعه گزارش شده خشونت علیه زنان را در همین ۲۲ ولایت ثبت کرده بودند.^{۱۲} بیش از نیمی از واقعات گزارش شده در دوره کنونی از دو لایت کابل (۶۷۰ واقعه) و هرات (۳۳۵ واقعه) می باشد که با یافته های سابق سازگار است.

^۹ این نهادها شامل ریاست های امور زنان در ولایات، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، سازمان های مساعدت های حقوقی، شفاخانه ها و تعداد زیادی از سازمان های حقوق زنان و جامعه مدنی می شود.

^{۱۰} معلومات دریافت شده از دفتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، کابل، ۶ دسمبر ۲۰۱۲. همچنین نگاه کنید به گزارش «راه طولانی فرا روی تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان». برای دسترسی به ترجمه دری این گزارش مراجعه کنید به:

<http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/Documents/A%20Long%20Way%20to%20Go%20-%20Implementation%20of%20EVAW%20law%20UNAMA%20Nov%202011-Dari.pdf>

^{۱۱} این ۲۲ ولایت عبارت اند از بدخشان، بادغیس، بامیان، بلخ، دایکندی، فراه، فاریاب، غرني، غور، هرات، جوزجان، کندهار، کاپیسا، خوست، کتر، لغمان، ننگرهار، نیمروز، پکتیا، پروان، سمنگان و تخار. در این گزارش، اصلاح «واقعه» به این معنا است که دفاتر خانونوالی جرم ادعا شده خشونت علیه یک زن را ثبت یا راجستر کرده است. این ثبت به معنای آن نیست که خانونوالی تحقیق را در مورد واقعه مذکور شروع کرده، یا قضیه را به پولیس برای تحقیق و یا روشهای تحلیل منازعات راجع کرده و یا پروسه تحقیق را طی کرده است. «ثبت» یک واقعه گزارش شده به وسیله پولیس یا یک خانونوال به این معنا است که یک دوسیه باز شده است اما ضرورتا به این معنا نیست که تحقیق شروع شده و یا حادثه به نهاد های عدلی و قضایی دیگر راجع شده است.

^{۱۲} نظارت ساحوی یوناما، سپتمبر ۲۰۱۱.

محاکم شهری از ۲۲ ولایت (به استثنای کابل) مجموعاً ۳۷۸ قضیه را در طی همین دوره با ۲۲۵ مورد محکومیت ثبت کرده اند. ثبت قضایای خشونت علیه زنان به وسیله این محاکم در این گزارش نسبت به یافته های گزارش قبلی بیشتر از چهار برابر افزایش را نشان می دهد.^{۱۳}

در کل گزارش واقعات خشونت علیه زنان به پولیس و ثبت این واقعات توسط پولیس هنوز هم در سطح پائین قرار دارد. براساس اطلاعات موجود، یوناما دریافت کرده است که پولیس در ۲۲ ولایت^{۱۴} (به استثنای کابل) در کل ۷۴۰ واقعه خشونت علیه زنان را از ماه اکتبر ۲۰۱۱ تا سپتامبر ۲۰۱۲ ثبت کرده است. این آمار تقریباً مساوی به یافته های قبلی می باشد.^{۱۵} از جمله ۷۴۰ واقعه، پولیس ۴۰۱ مورد (۵۴ درصد) آنرا به خائونالی فرستاده اند، در متباقی ۳۱۲ مورد آن ارجاع به ساختارهای سنتی حل منازعات و ادارت حقوق وزارت عدلیه، انصراف و میانجیگری توسط پولیس صورت گرفته اند و یا تحت دوران بودند.

در ۱۶ ولایتی که یوناما قادر به دریافت معلومات با جزئیات بیشتر از پولیس، خائونالی ها و محاکم راجع به تطبیق قانون منع خشونت علیه زن شدند؛ ۴۷۰ واقعه خشونت علیه زنان در آن ولایات در ادارت پولیس و خائونالی ثبت شده اند. از جمله این ۴۷۰ قضیه، خائونالی ها ۱۶۳ قضیه را به محاکم احاله نموده اند که از آن جمله ۱۰۰ قضیه (۶۱ درصد) منجر به محکومیت شده اند.^{۱۶} ۷۲ قضیه (۴۴ درصد) از جمله ۱۶۳ قضیه با استناد به قانون منع خشونت علیه زن احاله محاکم شده اند. از جمله این ۷۲ قضیه ۵۲ قضیه (۷۲ درصد) با استناد به قانون منع خشونت علیه زن منجر به محکومیت شده اند. این یافته ها نشان می دهد که در موارد که خائونالان دعوی را قسماً یا کاملاً براساس قانون منع خشونت علیه زن اقامه کرده اند، تعقیب عدلی اینگونه قضایا به احتمال زیاد منجر به محکومیت متهم گردیده است.

یافته های این گزارش نشان دهنده ی پیشرفت در ثبت قضایا و به کاربردن قانون منع خشونت علیه زن توسط خائونالیها و محاکم شهری در مقایسه با یافته های گزارش قبلی، می باشد.^{۱۷} خائونالان قضایای بیشتری را ثبت کرده اند و محاکم شهری نیز محکومیت بیشتری را با استفاده از قانون منع خشونت علیه زن صادر نموده اند. در حالیکه این پیشرفت بسیار قابل اهمیت و قابل ستایش می باشد، اما با آنهم در مقایسه با ۴۰۱۰ قضیه ثبت شده توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در طی هفت ماه گذشته سال جاری (حمل تا ختم میزان ۱۳۹۱)، تعداد قضایای که توسط ارگانهای عدلی و قضایی حل و فصل شده و تعداد قضایای که با استفاده از قانون منع خشونت علیه زن در ۱۶ ولایت منجر به محکومیت گردیده، همچنان در سطح پائین قرار دارد.

یوناما مشاهده کرده است که لت و کوب من حیث متداولترین جرم ثبت شده براساس قانون منع خشونت علیه زن است. افزایش در موارد قتل های ناموسی نیز مشاهده گردیده است. رویه نادرست تحت تعقیب عدلی قرار دادن زنان و دختران به خاطر فرار از منزل که اکثراً به منظور نجات از خشونت به آن متوسل می شوند، همچنان ادامه دارد. پولیس ۶۲ مورد، خائونالی ها ۳۱ قضیه و محاکم ۹ قضیه فرار از منزل را ثبت نموده اند.^{۱۸} فرار از منزل در قوانین افغانستان و همچنان شریعت جرم دانسته نشده است، اما با آن هم مقامات تنفیذ قانون اکثراً دختران و زنان را به خاطر آنچه معروف به "جرم اخلاقی" است و به اتهام "قصد ارتکاب زنا" یا "شروع به جرم زنا" دستگیر کرده و تحت تعقیب قرار می دهند. در سپتامبر ۲۰۱۲، نکوهش علنی این رویه توسط وزیر عدلیه،

^{۱۳} نظارت ساحوی یونامادر دوره گذشته نشان می دهد که ۸۴ قضیه خشونت علیه زنان در عین محاکم به ثبت رسیده بود.

^{۱۴} بدخشان، بادغیس، بلخ، بامیان، دایکندی، فراه، فاریاب، غزنی، غور، هرات، جوزجان، کابل، کاپیسا، کندهار، کنر، لغمان، ننگرهار، نیمروز، پکتیا، پروان، سمنگان، تخار

^{۱۵} نظارت یوناما در دوره ی گذشته ۷۲۷ قضیه در همان ۲۲ ولایت را از پولیس به ثبت رساند.

^{۱۶} از جمله ۴۷۰ واقعات گزارش شده ۱۶۳ مورد آن به محاکم جهت اقامه دعوی احاله شدند و متباقی ۳۰۷ مورد آن یا به ساختارهای سنتی حل منازعات ارجاع شدند، یا میانجیگری شدند، یا مورد انصراف قرار گرفتند و یا تحت دوران بودند.

^{۱۷} در گزارش قبلی از عین ۱۶ ولایت، خائونالیها و پولیس ۳۳۷ قضیه خشونت علیه زنان را ثبت نموده که در ۱۹ مورد (۳۴ درصد) محکومیت از جمله ی ۵۶ مورد محکومیت، محاکم قانون منع خشونت علیه زن را استفاده نموده بود.

^{۱۸} طبق آمار واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی در وزارت امور داخله، در جریان هشت ماه گذشته سال جاری خورشیدی ۱۱۹ قضیه به حیث فرار از منزل در ۳۳ ولایت - به استثنای کابل - ثبت گردیده است. معلومات با یوناما شریک گردید، نوامبر ۲۰۱۲.

وزیر امور زنان و معین وزارت داخله^{۱۹} مورد استقبال گسترده ی سازمانهای مدافع حقوق زنان قرار گرفت. این نوع بیانیه ها برای محافظت زنان و دختران در برابر خشونت علیه زنان و توقیف غیر قانونی بسیار مهم و موثر می باشد، اما این بیانیه ها باید کاملاً عملی شده و مورد حمایت کامل سیاسی نیز قرار بگیرند.

گزارش همچنان دریافته است که به جای رعایت اصول اجراءات قانونی، پولیس و خرنوالی ها به رویکرد ارجاع قضایا به شمول بعضی جرایم شدید به شوراها و جرگه ها جهت دریافت مشورت یا حل آن قضایا، همچنان ادامه داده است که اکثراً باعث تضعیف تطبیق قانون منع خشونت علیه زن و تقویت رسوم و عنعنات مضر، میگردد. مشاهده گردیده است که تصامیم این ساختارها اکثراً توسط زورمندان محل اتخاذ میگردند که پروسیجرهای مختلف را در تصمیم گیری خویش به کار می برند و تصامیم شان را بر آمیزه ای از رفتارهای سنتی، تفاسیر متفاوت از قواعد اسلامی و روابط قدرت در محل که اکثراً با ضابطه های قانونی و قواعد مذهبی در تناقض اند، بنا می نهند. در نتیجه، گروه های آسیب پذیر در جامعه خصوصاً زنان و اطفال بیشتر از پیش قربانی میگردند. به طور مثال، یک محکمه ممکن مرتکب جرم تجاوز را به حبس محکوم کند و در عین حال یک ساختار سنتی حل منازعات جامعه محور ممکن تصمیم گرفته باشد که متجاوز باید با قربانی تجاوز ازدواج کند و یا در مقابل آن "بد" بدهد.

یوناما همچنان مشاهده نمود که اکثریت قضایای خشونت علیه زنان که به ساختارهای سنتی حل منازعات ارجاع گردیدند، بدون نظارت ارگانهای ارجاع کننده آن مانند ریاست امور زنان، پولیس و خرنوالی ها حل شده اند. در نتیجه، زمانیکه زنان پس از این میانجیگری ها به خانواده خویش برگشتند، اکثراً در معرض خشونت مجدد قرار گرفتند.

این گزارش مواردی از بی میلی پولیس در امر دستگیری مرتکبین خشونت علیه زنان را دریافته است؛ آن عده از مرتکبین که با گروه های مسلح مخالف دولت یا ملیشه های حامی دولت- اربکی ها، پولیس محلی، اشخاص متنفذ در دولت یا بیرون از دولت یا آنانیکه قادر به پرداخت رشوت اند، رابطه دارند. یوناما مشاهده نموده است که پولیس در بعضی از مناطق ضعیف تر از مرتکبین خشونت علیه زنان اند در حالیکه در بعضی مناطق دیگر به نظر می رسد که پولیس به خاطر فساد یا طرفداری در اجرای عدالت از مرتکبین حمایت کرده اند. این پدیده با میکانیزم حسابدهی ضعیف در پولیس و نگرش تبعیض آمیز علیه زنان در هم آمیخته که منجر به مصئونیت گسترده ی مرتکبین خشونت علیه زنان در سراسر کشور شده است.

مسئله ظرفیت پولیس من حیث عاملی که اکثراً باعث عدم تحقیق درست قضایای خشونت علیه زنان میگردد نیز ملاحظه گردید. فقدان پولیس زن ذیصلاح که من حیث افسر تحقیق تعیین میگردد، مانع دسترسی زنان به عدالت شده اند.

یوناما دریافته است که آماری جامع در قسمت تعداد قضایای گزارش شده و قضایای ثبت شده خشونت علیه زنان در افغانستان وجود ندارد. علاوه بر آن ضوابط معیاری راجع به فهرست تخلفات که توسط قانون منع خشونت علیه زن پوشش داده شده و ارگانهای مختلف تنفیذ قانون، ریاست امور زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مشترکاً آن فهرست را داشته و بر آن تفاهم داشته باشند، وجود ندارد. این وضعیت چالش شدیدی را در تشخیص و ارزیابی دامنه، طبیعت و درجه عوامل، موانع و عمومیت خشونت علیه زنان بوجود آورده است که اگر این امور دانسته می شد میتواندست در ارائه راه حلها موثر واقع گردد.

اکثر کمیسیونهای ولایتی منع خشونت علیه زنان هنوز هم در تلاش ایفای وظیفه خویش می باشند. آنها هنوز به حمایت و نظارت کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان در کابل (نهادی که کمیسیون های ولایتی را نظارت میکند) ضرورت دارند تا بتوانند وظایف پرچالش خویش را انجام دهند.

تطبیق قانون منع خشونت علیه زن یکی از عناصر کلیدی پلان کاری ملی برای زنان افغانستان (۲۰۰۸-۲۰۱۸) می باشد به دلیل اینکه این پلان خواستار بازنگری چارچوب قانونی و اصلاح نظام عدلی و قضایی افغانستان به منظور تضمین مساوات و عدم تبعیض در قبال زنان آنطوری که در قانون اساسی و معاهدات بین المللی حقوق بشری تصریح گردیده، شده است. اخیراً، دولت افغانستان مجدداً بر تعهدات خویش مبنی تحقق تساوی جنسیتی و حقوق زنان از طریق چارچوب حسابدهی دوجانبه توکیو

^{۱۹} جلسه اختصاصی کمیسیون آموزش زنان، جامعه مدنی و حقوق بشر پارلمان، کابل، ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۲.

(Tokyo Mutual Accountability Framework) تاکید نموده است. دولت افغانستان در هماهنگی با شرکای بین المللی شاخص های را در پنج سکتور اصلی به منظور حمایت از شکوفایی و ایجاد یک افغانستان متکی به خود در چارچوب وسیع تر کمک های انکشافی شناسایی نموده است. آنها بر تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان و قانون منع خشونت علیه زن منحصراً دو شاخص کلیدی اجراءات دولت افغانستان در تحقق هدف خویش مبنی بر بهبود حکومت داری، حاکمیت قانون و حقوق بشر در جریان چند سال آینده تاکید نمودند.

یافته های گزارش نشان میدهد که مانع اصلی در تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در مراحل گزارش دهی - مخصوصاً به پولیس و خائنوالی، ثبت و تحقیق واقعات خشونت علیه زنان، هنوز پابرجاست. با وجود اینکه ریاست های امور زنان در بسیاری از ولایات ثابت نموده است که در فراهم کردن میکانیزم موثر برای قربانیان خشونت به منظور گزارش دادن واقعات بسیار مفید میباشند، اما با آن هم چالش های دسترسی قربانیان به نهادهای ارائه کننده ی عدالت رسمی بسیار زیاد می باشد.

یافته های یوناما میتواند در درک عواملی که مانع تعقیب عدلی و قضایی خشونت علیه زنان میگردد، موثر واقع گردد. همچنان سطح مشکلات زنان در دسترسی به عدالت را برجسته ساخته و در سنجش موثریت برنامه های آموزشی و آگاهی دهی و سایر برنامه هایی که برای رسیدگی به خشونت علیه زنان تدوین میگردد، مفید واقع شود. سرانجام، بهبود در تطبیق قانون منع خشونت علیه زن و کاهش واقعات خشونت علیه زنان میتواند به بهبود محافظت حقوق زنان که به نوبت خود باعث تقویت نقش فعال و حیاتی آنها در جامعه به منظور تأمین صلح، امنیت و رفاه در افغانستان می شود، منجر گردد.

سفارشات کلیدی:

به حکومت افغانستان

- در عالی ترین سطوح به شمول رئیس جمهور، همچنان در انتظار عامه تاکید نمایند که حمایت و حفاظت از حقوق زنان بخش جدا ناپذیر و اولویت اساسی صلح، مصالحه و ادغام مجدد در سراسر افغانستان بوده و ستون مرکزی راهبرد های سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشور می باشد.
- در همبستگی با شرکای بین المللی، یک چارچوب نظارت بر تعهدات مختص به تساوی جنسیتی، توانمندسازی زنان و تطبیق موثر قانون منع خشونت علیه زن، مندرج در اعلامیه توکیو و فرمان شماره ۴۵ ریاست جمهوری^{۲۰} را انکشاف دهد.

به وزارت امور زنان و کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان

- میکانیزمهای ارجاع را در سطح ولسوالی طرح و اجراء نموده و به منظور تسهیل و پی پیگیری ارجاع قربانیان خشونت علیه زنان به نهادهای ذیربط تنفیذ قانون و پیگیری قضایای آنها در آن ادارات و یا معرفی به ارائه کنندگان خدمات سرپناه، حمایت روانی - اجتماعی، حقوقی و مراقبت های صحی، یکی از ادارات عضو کمیسیون به نمایندگی از آن این میکانیزم را مطابق به ماده ۱۶ قانون مذکور هماهنگ نماید.
- وزارت امور زنان در هماهنگی با وزارت امور داخله، وزارت عدلیه و لوی خائنوالی یک شاخص معیاری دسته بندی و طبقه بندی (خشونت علیه زنان) را انکشاف دهد که مشترکاً توسط تمام ارگانهای تطبیق قانون و ریاست امور زنان در ثبت تمام انواع خشونت علیه زنان به شمول قضایایی که در قانون منع خشونت علیه زنان جرم انگاری نشده اند مانند قتل های ناموسی، آنچه جرایم اخلاقی گفته میشود و تفکیک آنها از قضایای مدنی؛ مورد استفاده قرار گیرد.

^{۲۰} فرمان جولای ۲۰۱۲ ریاست جمهوری در رابطه به مبارزه با فساد اداری و رسیدگی به مسایل حکومت داری به تمام وزارت ها و ادارات کلیدی رهنمودهایی را در آن موضوعات ارائه میکند.

به ستره محکمه

- به دیوان جزای عمومی و ریاست تفتیش هدایت دهد تا مشخصاً تطبیق درست قانون منع خشونت علیه زن در مورد قضایای خشونت علیه زنان توسط محاکم را نظارت کند.

به لوی خارنوالی

- اطمینان حاصل نماید که ریاست خارنوالی جزای عمومی و سایر ریاست های مربوطه لوی خارنوالی از نحوه تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط خارنوالی ها، نظارت به عمل می آورند.
- به ایجاد و حمایت از کمیسیون ها و یا واحدهایی اختصاصی تعقیب عدلی قضایای خشونت علیه زنان در دفاتر خارنوالی های ولایتی، ادامه دهد و منابع بشری واجد شرایط و منابع لوجستیکی کافی در اختیار آنها قرار دهد.
- یک بانک اطلاعات مرکزی برای تمام قضایای خشونت علیه زنان را برای تمام خارنوالی ها به شمول خارنوالی های اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان، ایجاد نماید.

به وزارت امور داخله

- حساس سازی در قبال خشونت علیه زنان و نقش پولیس در پاسخ دهی به نیازمندی های قربانیان را مطابق قانون منحیث بخش از آموزشهای اساسی پولیس بگنجانند.
- برای اداره تحقیقات جنایی پولیس، بشمول واحد حل منازعات فامیلی، رهنمود های را صادر نماید که در آن انواع تخلف های را که باید تحقیق و تعقیب عدلی گردد و آن مواردی را که میتواند توسط پولیس میانجیگری گردد واضح و روشن سازد، و اطمینان حاصل کند که قضایای که توسط پولیس به میانجیگری محول شده و یا توسط خود این واحد میانجیگری میگردد، بشکل درست ثبت و بطور رسمی مستند ساخته شود.
- به منظور تضمین محافظت از قربانیانی که پس از میانجیگری قضایای شان، به خانواده و جامعه خویش بر میگرددند، یک ساختار موثر برای ثبت درست و پیگیری این گونه قضایا ایجاد نماید.
- یک بانک معلوماتی مرکزی برای تمام قضایای خشونت علیه زنان انکشاف دهد و اطلاعات ادارات تحقیقات جنایی، واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی و سایر نهاد های ذیربط در پولیس رادر آن وارد نماید.

به تمویل کنندگان بین المللی

- حکومت افغانستان را در قسمت تطبیق اعلامیه توکیو از طریق سوق دادن کمک های انکشافی خویش به سوی تعهدات داده شده در اعلامیه مذکور راجع به تساوی جنسیتی، توانمند سازی زنان و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن، و ایجاد یک چارچوب نظارتی مشترک با شاخص های معین جهت سنجش پیشرفت در این عرصه ها یاری رسانند.
- از تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان (۱۳۸۷-۱۳۹۷) به ویژه طرح و اجرای استراتژی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط حکومت، حمایت به عمل آورند. به خصوص از ایجاد یک استراتژی ملی برای تطبیق قانون منع خشونت علیه زن و حمایت از برنامه های دارای اولویت ملی "قانون و عدالت برای همه" و "ظرفیت سازی جهت تسریع تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان" حمایت نمایند.

۲. زمینه

"یک زن به نام ستوری بر اثر خشونت های خانگی و اینکه طفل دختر ولادت نموده بود نه پسر، توسط شوهرش خفه شده و به قتل رسید"

خارنوال ولسوالی خان آباد، کندوز، جنوری ۲۰۱۱.^{۲۱}

خشونت در برابر زنان و دختران در افغانستان ناشی از موقف حاشیه ای آنان و طرز رفتارهای سختگیرانه ای که زنان را در جامعه مکلف به مطابعت از نقش ها و رسوم سنتی میدانند، می باشد.

قتل یک زن توسط طالبان در ملاء عام به اتهام ارتکاب زنا در جون ۲۰۱۲ در ولایت پروان و گزارشهای مشابه خشونت در برابر زنان (به بخش ۴.۲ نگاه کنید) در مناطق تحت کنترل عناصر مخالف دولت، نگرانی هایی را در میان جامعه مدنی و نهادهای مدافع حقوق زنان نسبت به دوباره قدرت گرفتن عناصر محافظه کار مخالف حقوق زنان به بار آورده است. قتل هدفمند رئیس امور زنان ولایت لغمان در جولای ۲۰۱۲ در اثر انفجار مواد منفجره از قبل تعبیه شده مثال بارز دیگری از این رند است.^{۲۲}

فعالین حقوق زنان مرتباً تاکید نموده اند که خشونت در برابر زنان به طور سیستماتیک می باشد به این دلیل که خشونت تنها محصور در درون خانواده ها و اجتماع نیست بلکه به خاطر فقدان اراده سیاسی مجریان قانون در رسیدگی به آن، تداوم پیدا میکند. ناتوانی دولت در تحقیق و تحت تعقیب عدلی قراردادن مرتکبین جرایم خشونت علیه هزاران زن و دختر افغان چه به دلیل ضعف نظام عدالت جزایی و مقامات مجری قانون یا نبود نیروهای امنیتی کافی در بسیاری از مناطق روستایی، سبب تقویت فرهنگ معافیت شده که بیشتر از پیش مانع پیشرفت در عرصه حقوق زنان می گردد.

رسوم و رفتارهای زیان آور و خشونت علیه زنان در افغانستان برای مدت زمان طولانی زنان را از مشارکت در زندگی اجتماعی باز داشته و مانع رسیدن صدای آنها به گوش تصمیم گیران و مجامع سیاسی شده است. پیشرفت در اجرای قانون منع خشونت علیه زن می تواند در توانمند سازی زنان به ایفای نقش مهم و حیاتی در پروسه های جاری صلح و مصالحه کمک نماید.

اعلامیه شورای سراسری علمای افغانستان به تاریخ ۲ مارچ ۲۰۱۲ علاوه بر تبیین بعضی حقوق تضمین شده برای زنان در اسلام، یک نوع دستور العمل رفتاری برای زنان را نیز فهرست کرد که شباهت به موقف تندروان اسلامی دارد. اعلامیه مذکور موقف زنان در جامعه را من حیث موقف اطاعت از مردان تعریف کرده است و در قبال استفاده از مفاهیم و اصطلاحاتی که این امر را نقض کند، اخطار داده است.^{۲۳} باوجود اعتراض شدید جامعه مدنی افغانستان و گروههای مدافع حقوق زنان در برابر این اعلامیه، هیچ محکومیت رسمی از جانب رئیس جمهور کرزی صادر نشد و علاوه بر آن این سند هنوز در ویسایت وی موجود می باشد.^{۲۴}

^{۲۱} مصاحبه یوناما با خارنوال ولسوالی خان آباد، کندز، جنوری ۲۰۱۲.

^{۲۲} باوجود اینکه مسئولیت قتل به طالبان نسبت داده شد، اما رئیس امور زنان به دلیل رد دستور یک سناتور از ولایت ارزگان مبنی بر تحویل دهی یک دختر ۱۹ ساله از ولایت ارزگان که با مرد مورد علاقه اش در لغمان ازدواج کرده بود، نیز تهدیدات را از جانب سناتور مذکور دریافت کرده بود. سناتور میخواست دختر مذکور را در قید نکاح خود در آورد به همین خاطر به رئیس امور زنان دستور داده بود که آن دختر را دوباره برگرداند به دلیل اینکه وی محل اختفای دختر و شوهر او را میدانست. به تعقیب عدم اطاعت از این دستور، بنا بر گزارشها سناتور شروع به تهدید کردن رئیس امور زنان نمود که چند روز بعد از آن رئیس امور زنان توسط انفجار مواد منفجره تعبیه شده در موتر حامل وی، به قتل رسید. یکی از خویشاوندان رئیس امور زنان گفت: "او به خاطر طبیعت وظیفه اش اخطارهای زیاد را از طرف افراد گوناگون دریافت می کرد. طالبان، اعضای خانواده قربانیانی که وی از آنها حمایت کرده بود، و در این اواخر یک سناتور از ولایت ارزگان او را به مرگ تهدید نمودند. روز پنج شنبه ما در منزل وی طعام چاشت صرف میکردیم که او به معین وزارت امور زنان زنگ زد و خواستار رهنمایی راجع به چگونگی واکنش در برابر تهدیدات سناتور شد. بعداً آنها بیرون رفت که به ولایت کنر بروند، موتر انفجار کرد و او کشته شد. بعضی دیگر از مقامات دولتی و رئیس قبلی ریاست امور زنان نیز در صدد بد نام کردن وی بودند." مصاحبه یوناما با یکی از خویشاوندان رئیس امور زنان، جلال آباد، ۱۶ جولای ۲۰۱۲.

^{۲۳} در نظر گرفتن صراحت آیات (۱) و (۳۴) سوره النساء که مشعر است در خلقت بشر مرد اصل و زن فرع می باشد و نیز قومیت از آن رجال است. لذا از استعمال الفاظ و اصطلاحات که با مفهوم آیات مبار که در تضاد باشد جداً اجتناب شود.

^{۲۴} در یک کانفرانس مطبوعاتی رئیس جمهور حامد کرزی گفت که او به شرایط بیان شده در اعلامیه شورای علما پایبند می باشد: "این یک دیدگاه شرعی وطن ما است و تمام مسلمانان افغانستان به آن پابند هستیم." ۷ مارچ ۲۰۱۲، کابل.

تعداد زیادی از زنان نگرانی های خویش را با دفتر یوناما راجع به ازدست دادن دست آوردهای شکننده یک دهه اخیر برای تامین حقوق زنان، ابراز کردند. آنها تأکید کردند که نگران مورد معامله قرار گرفتن حقوق زنان در جریان تلاشهای دولت جهت حصول منفعت های سیاسی در مذاکرات صلح با عناصر محافظه کارتر جامعه افغانستان، می باشند.

با این وجود، در یک نطق رادیویی به تاریخ ۲۹ نوامبر ۲۰۱۲، رئیس جمهور کرزی خشونت های خانگی را محکوم کرد و از علمای دینی و متنفذین قومی خواست که علیه "این آسیب اجتماعی" تبلیغ کنند به خاطر اینکه این عمل ناروا کاملاً خلاف رهنمودهای اسلامی و ارزشهای حقوق بشری است که زنان مستحق آن می باشند. رئیس جمهور از رسانه های همگانی و رادیو نیز خواست به طور خاص برنامه هایی را نشر کنند که متضمن پیامهای نفی هر نوع خشونت خانگی باشند.^{۲۵}

نهادهای مدنی، موسسات حامی حقوق زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به دادخواهی های خویش در قسمت مبارزه با خشونت علیه زنان ادامه داده است که در ایجاد محیطی مناسب برای قربانیان جهت گزارش دادن قضایای مربوطه شان و دسترسی به عدالت، بسیار مهم می باشد. ولایت بامیان جایی که نهادهای مدنی در دادخواهی برای تحقیق و تعقیب عدلی قضایای خشونت علیه زنان نقش بسیار موثر بازی کردند، یکی از مثالها می باشد. تبدیل محل وظیفه ی رئیس خرنوالی ولایت بامیان به دلیل جانبداری، تعصب و فساد یکی از نتایج دادخواهی های نهادهای مدنی بوده است.^{۲۶} علاوه بر بامیان که یک ولایت امن بوده که این خود زمینه یک جامعه مدنی پویا را مساعد ساخته، در ولایت کاپیسا نیز حضور تنها یک مؤسسه ی حمایت از حقوق زنان در افزایش گزارش دادن واقعات خشونت علیه زنان و بهبود پیگیری آن قضایا در ارگانهای عدلی و قضایی موثر واقع شده است.^{۲۷}

مطبوعات افغانستان هم در جلب توجه افکار عمومی به قضایای خشونت علیه زنان رول مهم و مثبت بازی کرده اند. داستان های بعضی از قربانیان که در مطبوعات کشانده شد، باعث گردید که عدالت در قبال آن قضایا تطبیق گردد، در غیر آن ممکن بود چنین نشود. به طور مثال در ۸ نوامبر ۲۰۱۲ یک هیئت قضایی در کابل چهار نفر از افسران پولیس محلی ولایت قندوز را به اتهام ارتکاب تجاوز جنسی علیه یک دختر ۱۸ ساله به نام لعل بی بی مجرم شناخته و آنها را به ۱۶ سال حبس محکوم نمود.^{۲۸} در جولای ۲۰۱۲ در قضیه مسلمات سحر گل - یک دختر ۱۵ ساله که مورد شکنجه و بندی شدن در مستراح برای پنج ماه توسط فامیل خسر خود قرار گرفته بود - محکمه ابتدائیه در کابل سه نفر از متهمین را به ۱۰ سال حبس محکوم نمود و محکمه استیناف این تصمیم را تایید نمود هرچند که شوهر سحر گل که متهم اصلی این قضیه بوده هنوز فراری می باشد.^{۲۹}

با وجود اینکه این دست آوردها مورد استقبال قرار میگیرد، اما شمار آن اندک بوده و یک روند را نمایندگی کرده نمی تواند. بسیاری از قضایای خشونت علیه زنان توجه افکار عمومی را که به مثابه ی فشار بر مقامات جهت تحقق عدالت می باشد، به طور گسترده جلب نمی کند. با وجود اینکه تاثیر توجه رسانه ها بر تحقق عدالت در قسمت قضایای خشونت علیه زنان تایید گردیده اما قربانیان نباید به آن اتکاء نمایند و در نهایت، این مسئولیت حقوقی دولت و مقامات است که خدمات عدلی و قضایی خوب ارائه کنند و صدور رهنمود توسط رئیس جمهور یا وزیر نباید درباره هر قضیه و برای حل آن صورت بگیرد.

. <http://www.khaama.com/karzai-support-ulemas-declaration-on-gender-segregation-814>

^{۲۵} نطق رادیویی رئیس جمهور کرزی، ۲۹ نوامبر ۲۰۱۲ در ویسایت رسمی ایشان نشر گردید.

<http://president.gov.af/en/news/15111>

^{۲۶} رئیس خرنوالی بامیان از وظیفه اش در بامیان به تاریخ ۱۷ اکتبر ۲۰۱۲ خلع شد، گزارش نظارت محلی دفتر یوناما، اکتبر ۲۰۱۲.

^{۲۷} نظارت محلی یوناما، اگست ۲۰۱۲.

^{۲۸} <http://www.nytimes.com/2012/11/08/world/asia/afghan-militia-members-found-guilty-in-rape.html>

^{۲۹} گزارش نظارت ساحوی یوناما، اکتبر ۲۰۱۲.

۲.۱. چارچوب قانونی:

"مرتکبین خشونت علیه زنان باید دستگیر و به پنجه عدالت سپرده شوند به خاطر اینکه نه آموزه های اسلامی و نه هم قواعد حقوق بشری به کسی اجازه می دهد تا علیه انسان دیگر، مخصوصاً علیه زنان مرتکب خشونت بگردد. مرتکبین هر کی باشند باید مطابق قانون دستگیر و تعقیب عدلی شوند." حمیدالله دانشی، معاون والی ولایت کندوز، اگست ۲۰۱۲.^{۳۰}

قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان (۲۰۰۴) چارچوب قانونی را برای حفاظت و ترویج حقوق بشر به شمول حقوق زنان، بنا نهاده است و همچنان ضرورت محو رفتارهای سنتی مخالف اسلام را نیز به رسمیت شناخته است. گزارش یوناما/کمیسیون عالی ملل متحد برای حقوق بشر "عرف و عینات ناپسند و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان" بر اساس تحلیل خویش و مشوره با علما دریافت که بسیاری از رفتارهای سنتی نه تنها در قوانین افغانستان و قواعد حقوق بشر بین المللی جرم است، بلکه با شریعت نیز سازگاری ندارد.

۲.۱.۱. قانون منع خشونت علیه زن:

وضع قانون منع خشونت علیه زن در اگست ۲۰۰۹ یک قدم بزرگ قانونگزاری در راستای خاتمه دادن به رفتارهای زیان آور و خشونت علیه زنان در افغانستان بود. این قانون در میان اهدافش چنین برمی شمارد: "مبارزه علیه رسوم، عینات و رفتارهای که باعث خشونت علیه زنان می گردد و مخالف احکام اسلامی است" و جلوگیری و تعقیب عدلی موارد خشونت علیه زنان.^{۳۱}

ماده ۵ این قانون، ۲۲ عملی که ارتکاب آن خشونت علیه زنان را بوجود می آورد چنین برمی شمارد: تجاوز جنسی، مجبور نمودن به فحشاء، ضبط و ثبت هویت مجنی علیها و نشر آن به نحویکه به شخصیت وی صدمه برساند؛ آتش زدن یا استعمال مواد کیمیایی، زهری و سایر مواد ضررناک؛ مجبور نمودن به خودسوزی یا خودکشی و یا استعمال مواد زهری یا سایر مواد ضررناک، مجروح یا معلول نمودن، لت و کوب، خرید و فروش به منظور یا به بهانه ازدواج، بد دادن، نکاح قبل از اكمال سن قانونی؛ دشنام، تحقیر و تخویف؛ آزار و اذیت، انزوای اجباری، اجبار زن به اعتیاد به مواد مخدر، منع تصرف در ارث، منع تصرف اموال شخصی؛ ممانعت از حق تعلیم، تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحی؛ کار اجباری، ازدواج با بیش از یک زن بدون رعایت حکم مندرج ماده (۸۶) قانون مدنی.^{۳۲}

قانون مذکور برای افرادی که به ارتکاب این گونه اعمال متهم و مجرم شناخته شوند، مجازات تعیین نموده است و محکمه و خارنوالی را مکلف می داند "تا قضایای خشونت علیه زنان را در اولویت قرار داده و به اسرع وقت رسیدگی نمایند." ^{۳۳} قانون منع خشونت علیه زن با مکلف ساختن صریح پولیس به پذیرش و درج شکایات مرتبط به خشونت علیه زنان و رسیدگی به شکایات مذکور و درجریان قرار دادن وزارت امور زنان از اجراءات خویش، صلاحیت و موقف پولیس را تقویت نموده تا به قربانیان خشونت های مذکور مساعدت، حقوق و آزادی های افراد را حفاظت، جرایم را کشف و با آنها مبارزه نماید.^{۳۴}

قانون منع خشونت علیه زن همچنین دولت را مکلف به اتخاذ اقدامات حفاظتی و حمایتی به نفع قربانیان می نماید. این قانون مکلفیت های ویژه ای را برای هفت وزارتخانه بر شمرده و تشکیل یک کمیسیون عالی برای منع خشونت علیه زن را پیش بینی نموده است که در ترکیب اعضای آن نمایندگان وزارت ها و ریاست های کلیدی شامل می باشند. کمیسیون عالی ادارات ولایتی را دستور داده است تا کمیسیون های منع خشونت علیه زن را در سطح ۳۴ ولایت کشور ایجاد نمایند.

^{۳۰} جلسه کمیسیون ولایتی منع خشونت علیه زنان، ۲۸ اگست ۲۰۱۲، کندوز.

^{۳۱} ماده ۲، قانون منع خشونت علیه زن

^{۳۲} ماده ۸۶ قانون مدنی افغانستان تصریح میدارد؛ ازدواج به بیش از یک زن بعد از تحقق حالات آتی صورت گرفته می تواند: ۱- درحالی که خوف عدم عدالت بین زوجات موجود نباشد، ۲- درحالی که شخص کفایت مالی برای تأمین نفقه زوجات از قبیل غذا، لباس، مسکن و تداوی مناسب را داشته باشد، ۳- درحالی که مصلحت مشروع، مانند عقیم بودن زوجه اولی و یا مصاب بودن وی به امراض صعب العلاج، موجود باشد.

^{۳۳} فقره (۴) ماده ۷ قانون منع خشونت علیه زن.

^{۳۴} به ماده های ۵ و ۲۶ قانون پولیس، فقره ۲ ماده ۲۹ قانون اجراءات جزائی موقت و ماده های ۷ و ۱۳ قانون منع خشونت علیه زن مراجعه نمایید.

۲. ۱. ۲. نواقص قانون منع خشونت علیه زن

فعالین حقوق زن قانون منع خشونت علیه زن را به این دلیل مورد نقد قرار داده اند که قانون مذکور جرایمی را که زیر عنوان "دفاع از ناموس" ارتکاب می یابد به طور جداگانه جرم انگاری نکرده و برخی جرایم دیگر مانند تجاوز جنسی و عنصر اکراه در آن را، که شاخص تفکیک جرم تجاوز از جرم زنا به رضایت طرفین می باشد، به وضوح تعریف ننموده است. در جریان نظارت از قضایای انفرادی، یوناما به موارد متعدد فرار زنان و دختران از خانه جهت نجات از ازدواجهای اجباری یا خشونت های خانگی و دستگیر شدن آنها مواجه شد. پس از دستگیری، این زنان و دختران اکثراً به ارتکاب "شروع به فعل زنا" که معمولاً از آن به نام "جرایم اخلاقی" نام برده میشود، متهم و محکوم میگردند در حالی که در هیچ یک از احکام قانون جزاء رسیدگی به این موضوع تصریح نگردیده و همچنان در شریعت نیز جرم پنداشته نمی شود، ولی با آن هم مقامات تنفیذ قانون اکثراً دختران را به خاطر این "جرم اخلاقی" دستگیر و تحت تعقیب عدلی قرار میدهند.

قانون منع خشونت علیه زن برای زنان و دخترانی که از خشونت خانگی و ازدواجهای اجباری فرار میکنند، کدام تدابیر حفاظتی و حمایتی را پیش بینی نکرده است. مصداق بارز این وضعیت موجودیت تعداد زیادی از زنان و دختران در محابس افغانستان به اتهام معروف به "جرایم اخلاقی" می باشد.

در اول فبروری ۲۰۱۲ رئیس جمهور کرزی فرمانی را به مناسبت میلاد حضرت محمد (ص) صادر کرد که در آن تعداد زیادی از زندانیان به شمول زندانیان زن که به اتهام "فرار از منزل" محکوم شده بودند، مورد عفو قرار گرفتند. فرمان دیگری به مناسبت روز جهانی زن (هشت مارچ ۲۰۱۲) به طور مشخص برای عفو و تخفیف مجازات محکومیت زنان زندانی صادر شد که در آن گفته شده "محکومین اناثی که ... به منظور ازدواج با شخص مورد نظر از منزل اولیای خود فرار و با شخص مذکور ازدواج نموده باشند، حبس باقی مانده شان بدون قید و شرط عفو میگردد".^{۳۵}

نگرانی دیگر این است که این قانون پیگیری عدلی بسیاری از جرایم را منوط به تسلیم شکایت رسمی توسط قربانی یا خویشاوندان وی نموده است. معنی آن اینست که در صورتیکه عریضه ای درج نشود و یا اینکه زن قربانی در نتیجه فشار خانواده و یا ترس از انتقام از پیگیری شکایت خود انصراف نماید، دولت مکلف به تحقیق و تعقیب قضیه دانسته نمی شود. ماده ۳۹ بند ۲ قانون مذکور به شاکی اجازه میدهد که از شکایت خویش در هر مرحله ی محاکماتی انصراف نماید. استثنا در حصه جرایم تجاوز جنسی، اجبار به خودسوزی یا خودکشی، اجبار به فحشا، ثبت و ضبط هویت مجنی علیها و نشر آن و آتش زدن یا استعمال مواد کیمیاوی در نظر گرفته شده است که دولت بدون در نظر داشت انصراف یا عدم تسلیم دهی شکایت در قبال ارتکاب جرایم متذکره وارد عمل میشود. نظارت یوناما نشان میدهد که بیشترین استناد در میان احکام قانون منع خشونت علیه زن به این ماده صورت گرفته اند که اکثراً زنان و دختران را در برابر فشارهای خانواده و جامعه آسیب پذیر می سازد.

با اذعان به اینکه تعدیلات در این قانون به خاطر تضمین کامل حقوق زنان ضروری است، اما یوناما و گروه های فعال حقوق زن به این نظراند که قانون فعلی نیز در صورتیکه درست تطبیق شود می تواند به عنوان ابزار حقوقی قوی برای حمایت و بهبود حقوق زنان باشد و تطبیق آن منجر به کاهش عنعنات ناپسندی شود که باعث آزار و اذیت میلیون ها زن و دختر افغان در سراسر کشور میشوند.

^{۳۵} مطابق آمار ریاست عمومی محابس، در نتیجه تطبیق این فرمان ۸۳ زندانی زن از زندان آزاد شدند و ۴۰۶ دیگر تخفیف در مجازات شان دریافت کردند.

۳.۱.۲. مکلفیت ها و تعهدات حقوقی بین المللی

بر اساس تعهدات در قبال معاهدات بین المللی حقوق بشری،^{۳۶} دولت افغانستان مکلف است تا دسترسی یکسان به محافظت های قانونی و تساوی در برابر قانون را برای زنان تامین نماید. مطابق حقوق بین الملل دولت افغانستان باید مساعی لازمه را جهت جلوگیری و رسیدگی مناسب به موارد خشونت علیه زنان چه اینکه توسط نمایندگان دولت ارتکاب می یابد یا افراد و یا سازمانهای غیر دولتی، به خرج دهد.^{۳۷}

دولت افغانستان در اکثر موافقتنامه های خویش بر تعهدات خود مبنی بر حفاظت و ترویج حقوق زنان و فراهم کردن زمینه اشتراک معنی دار آنان در حوزه سیاست و پروسه جاری صلح و مصالحه تاکید نموده است. تطبیق قانون منع خشونت علیه زن یکی از عناصر اساسی پلان کاری ملی برای زنان افغانستان (۲۰۰۸-۲۰۱۸) می باشد به دلیل اینکه این پلان خواستار تعدیل چارچوب قانونی و اصلاح نظام عدلی و قضایی افغانستان به منظور تضمین مساوات و عدم تبعیض در قبال زنان آنطوریکه در قانون اساسی و معاهدات بین المللی حقوق بشری تصریح گردیده، می باشد. در کنفرانس کابل در سال ۲۰۱۰ دولت افغانستان مجدداً بر تعهدات خویش مبنی بر تحقق برابری جنسیتی با استفاده از تعداد زیادی از برنامه های دارای اولویت ملی به شمول برنامه "انکشاف ظرفیت جهت تسریع تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان" تاکید نمود. هدف برنامه مذکور ظرفیت سازی در ادارات ذیربط دولتی جهت تسریع تطبیق پلان مذکور در روند پالیسی سازی، برنامه سازی، بودجه سازی، نظارت، گزارش دهی و ارزیابی^{۳۸} می باشد و اخیراً در چارچوب حساب دهی دوجانبه توکیو (Tokyo Mutual Accountability Framework) دولت افغانستان در هماهنگی با همکاران بین المللی برای یک افغانستان متکی به خود در چارچوکات وسیع تر کمک های انکشافی، شاخص هایی را در پنج سکتور اصلی به منظور حمایت از توسعه و شکوفایی شناسایی نموده است. تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن من حیث دو شاخص اصلی اجراءات دولت افغانستان در تحقق هدف خویش مبنی بر بهبود حکومت داری، حاکمیت قانون و حقوق بشر تعیین گردیده اند.^{۳۹}

^{۳۶} دولت افغانستان به معاهدات ذیل پیوسته است: میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون مبارزه با شکنجه و رفتارها و مجازات های موهن، و کنوانسیون حقوق طفل.

^{۳۷} به سفارش عمومی شماره ۱۹/۱۹۹۲ کمیته کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض در برابر زنان مراجعه نمایید. همچنان مراجعه نمایید به اعلامیه نمبر A/RES/48/104 سال ۱۹۹۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد ماده ۴ (C) که تصریح میدارد دولت ها باید "مساعی لازمه را جهت جلوگیری، تحقیق و مجازات -مطابق قوانین داخلی شان- اعمال خشونت علیه زنان چه اینکه این اعمال توسط دولت یا افراد غیر دولتی صورت گرفته باشد، به خرج دهند.

^{۳۸} برنامه های دارای اولویت ملی (NPP) برنامه های شامل در چارچوب استراتژی انکشاف ملی افغانستان می باشد که دولت افغانستان از جمله به آن برنامه ها اولویت داده تا تعهدات داده شده در کنفرانس کابل (۲۰۱۰) را عملی سازد.

^{۳۹} پلان عملی سازی تعهدات مندرج در چارچوب (اعلامیه) توکیو، دولت افغانستان، اگست ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵.

۳. یافته ها راجع به تطبیق قانون منع خشونت علیه زن

۳.۱. ثبت قضایای خشونت علیه زنان

در کل آمار قضایای گزارش شده ی خشونت علیه زنان در فاصله زمانی اکتوبر ۲۰۱۱ تا سپتامبر ۲۰۱۲ افزایش یافته است. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ۴۰۱۰ قضیه را در هفت ماه اول سال جاری خورشیدی ثبت کرده است این در حالیست که نهاد متذکره در طول سال گذشته خورشیدی (۱۳۹۰) ۲۲۹۹ قضیه را ثبت کرده بود.^{۴۰} افزایش گزارش دهی ممکن است نتیجه افزایش آگاهی دهی و حساس سازی در قبال خشونت علیه زنان و پیامدهای مضر و مجرمانه آن توسط نهادهای مدنی و دولت و یا در کل افزایش آگاهی نسبت به حقوق زنان باشد. به همین دلایل افزایش در گزارش دهی لزوماً دلالت بر افزایش واقعات خشونت علیه زنان نمی کند.

یوناما دریافته است که معلومات راجع به واقعات ثبت شده ی خشونت علیه زنان یا موجود نیست یا قابل دسترس نمی باشد و یا هم در بعضی مناطق به طور نامنظم وجود دارد. معلومات از ولایات نورستان، زابل، هلمند و ارزگان به دلایل محدودیت دسترسی به این مناطق یا فقدان نهادهای دولتی ذیربط قابل دسترس نبود. در بسیاری از مناطق دیگر یوناما در ارزیابی دقت و قابل اعتماد بودن معلومات دریافتی از مقامات تنفیذ قانون به دلیل تناقض آشکار آنها با واقعیت ها با مشکلاتی مواجه شد. به طور مثال در ولایات لوگر و میدان وردک مقامات، خاصاً پولیس ملی و خارنوالان، به یوناما گفتند که آنها حتی یک قضیه خشونت علیه زنان را بین اکتبر ۲۰۱۱ تا سپتامبر ۲۰۱۲ ثبت نکرده اند در صورتی که رؤسای ریاست امور زنان در این ولایات تأیید نمودند که کارمندان شان قضایای خشونت علیه زنان را ثبت نموده اند.^{۴۱}

در ولایت پنجشیر تمام مقامات ذیربط به شمول ریاست امور زنان، پولیس ملی و خارنوالان در جلسات شان با یوناما ادعا کردند که هیچ یک از نهادهای متذکره حتی یک واقعه خشونت علیه زنان را ثبت نکرده اند، اما یوناما گزارشهایی را از منابع دیگر مبنی بر وقوع رویدادهای خشونت علیه زنان و حل آنها از طریق میانجیگری توسط جرگه ها بدون دخالت مقامات عدلی و قضایی یا ریاست امور زنان در یافت کرده است.

براساس اطلاعات موجود، یوناما دریافت که پولیس در ۲۲ ولایت^{۴۲} (بدون کابل) در کل ۷۴۰ واقعه خشونت علیه زنان را در جریان اکتبر ۲۰۱۱ تا سپتامبر ۲۰۱۲ ثبت نموده است. این نشان میدهد که ثبت قضایا توسط پولیس هنوز در سطح پایین قرار دارد و سازگار با یافته های گزارش قبلی یوناما می باشد (یافته های گزارش قبلی ثبت ۷۲۷ واقعه خشونت توسط پولیس در همان ولایات را نشان میدهد). از آن جمله، پولیس ملی ۴۰۱ قضیه (۵۴ درصد) را به خارنوالی احاله نموده، ۳۱۲ قضیه (۴۳ درصد) مورد انصراف قرار گرفته یا به ساختارهای غیر رسمی حل منازعات یا اداره حقوق ریاست عدلیه ارجاع شده و یا میانجیگری شده اند و یا تحت دوران می باشند. معلومات راجع به اینکه پولیس در قبال ۲۷ قضیه (۳ درصد) باقی مانده چه اجراءات کرده است، در دسترس نبود. (به چارت ذیل نگاه کنید)

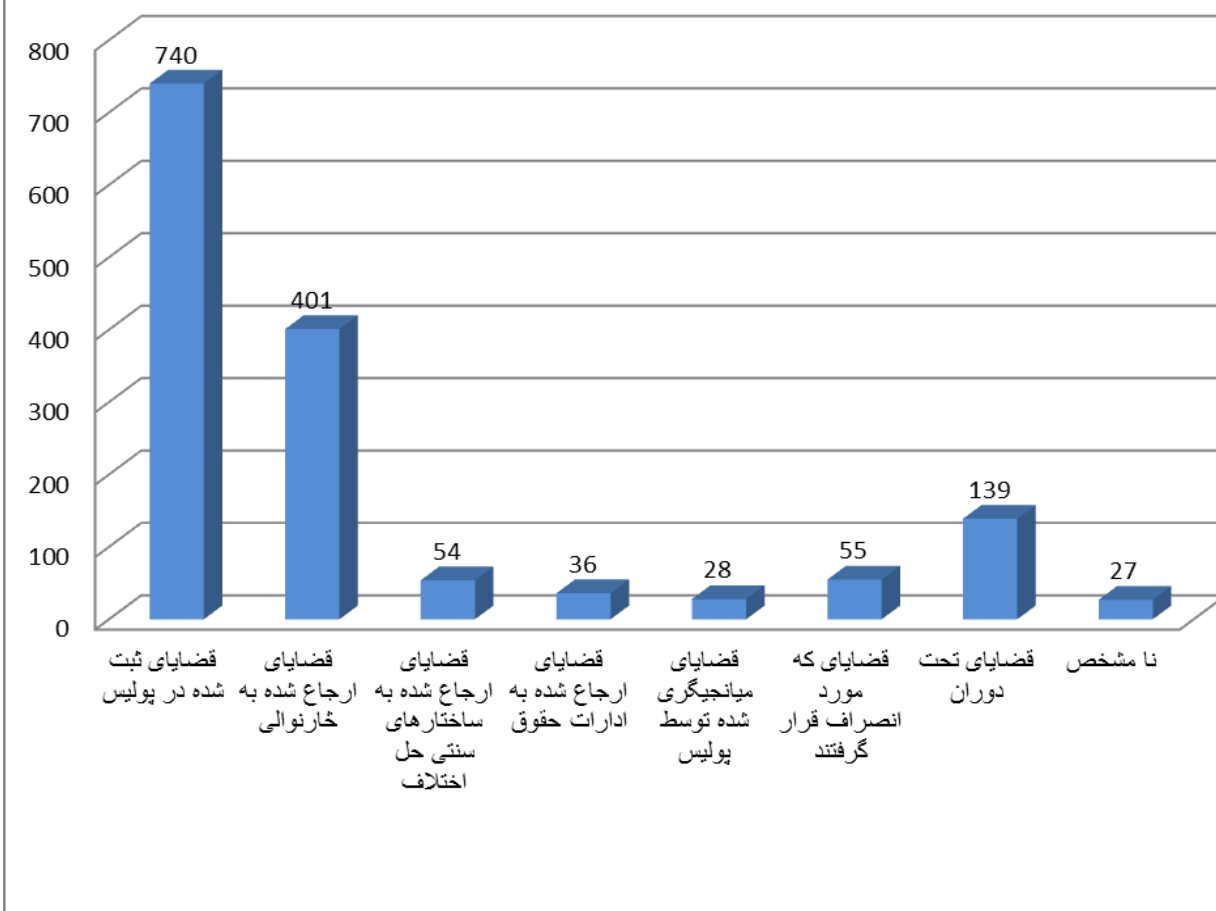
^{۴۰} معلومات از دفتر کمیسیون مستقل حقوق بشر دریافت گردید، کابل ۶ دسامبر ۲۰۱۲. همچنان به گزارش "راه طولانی فرا روی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان به آدرس ذیل مراجعه نمایید:

<http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/Documents/A%20Long%20Way%20to%20Go%20-%20Implementation%20of%20EVAW%20law%20UNAMA%20Nov%202011-Dari.pdf>

^{۴۱} ریاست امور زنان در میدان وردک به یوناما گفت که آن ریاست پنج واقعه خشونت علیه زنان در جریان مارچ تا سپتامبر ۲۰۱۲ دریافت کرده و از آن جمله فقط یک قضیه آنرا که قضیه لت و کوبی یک زن توسط شوهرش در ولسوالی جلریز بود به پولیس در جولای ۲۰۱۲ ارجاع نمود. تحقیق قضیه در پولیس در حالت تعلیق بود. در ولایت لوگر ریاست امور زنان ۱۷ واقعه خشونت علیه زنان را به شمول شش واقعه لت و کوب و بد رفتاری فزیک و دو واقعه ازدواج اجباری که شامل قانون منع خشونت علیه زن میگردد، گزارش نمود. ریاست متذکره هفت قضیه را خود میانجیگری نموده، چهار قضیه را به اداره حقوق جهت میانجیگری و یک قضیه را به پولیس ارجاع نموده است که آن یک قضیه منجر به فیصله دوستانه گردید و پنج قضیه دیگر هنوز به حال تعلیق می باشد.

^{۴۲} ۲۲ ولایات مذکور از قرار ذیل اند: بدخشان، بادغیس، بامیان، بلخ، دایکندی، فراه، فاریاب، غزنی، غور، هرات، جوزجان، کندهار، کاپیسا، خوست، کتر، لغمان، ننگرهار، نیمروز، پکتیا، پروان، سمنگان و تخار.

معلومات جمع آوری شده توسط یوناما از ۲۲ ولایت راجع به ثبت قضایای خشونت علیه زنان در پولیس و اقدامات متخذة پولیس در قبال آن قضایا، اکتبر ۲۰۱۱ تا سپتامبر ۲۰۱۲



قابل یادآوری است که واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی در وزارت امور داخله ۸۵۲ واقعه خشونت علیه زنان را در جریان مارچ تا اکتبر ۲۰۱۲ از ۳۳ ولایت افغانستان (به استثنای کابل) ثبت کرده اند. واحد جندر و حقوق بشر در وزارت امور داخله ۷۳۸ واقعه خشونت علیه زنان را از تمام ۳۴ ولایت کشور در جریان مارچ الی سپتامبر ۲۰۱۲ ثبت کرده است. این یک نمونه از ناسازگاری آمارهای دریافتی از ادارات مختلف یک ارگان می باشد.

خارنوالی ها در ۲۲ ولایت^{۴۳} ۱۵۳۸ واقعه خشونت علیه زنان را ثبت کرده اند که در مقایسه با یافته های قبلی یوناما که در آن خارنوالی ها در عین ۲۲ ولایت ۵۲۹ واقعه خشونت علیه زنان را ثبت کرده بودند^{۴۴} افزایش زیادی را در ثبت این گونه قضایا نشان می دهد. بیشتر از نصف قضایای ثبت شده در این دوره تنها در کابل (۶۷۰ قضیه) و هرات (۳۳۵ قضیه) رخ داده که با یافته های قبلی که در آن از جمله ۵۲۹ قضیه ۳۵۳ آن در کابل و هرات به ثبت رسیده بود، مطابق می باشد.

معلومات راجع به ۱۹۹ قضیه از مجموع ۱۵۳۸ قضیه ثبت شده در خارنوالی در دسترس نبود. از مجموع ۱۵۳۸ قضیه ثبت شده ۷۰۰ (۴۶ درصد) قضیه آنرا خارنوالان به محاکم احاله نموده و ۳۴۲ (۲۲ درصد) قضیه با استفاده از ماده ۳۹ قانون منع خشونت علیه زن مورد انصراف قرار گرفتند. از جمله باقی مانده قضایا، ۱۴۷ قضیه (۱۰ درصد) آن تحت دوران بوده و ۱۴۶ (۹٫۵ درصد) به ادارات

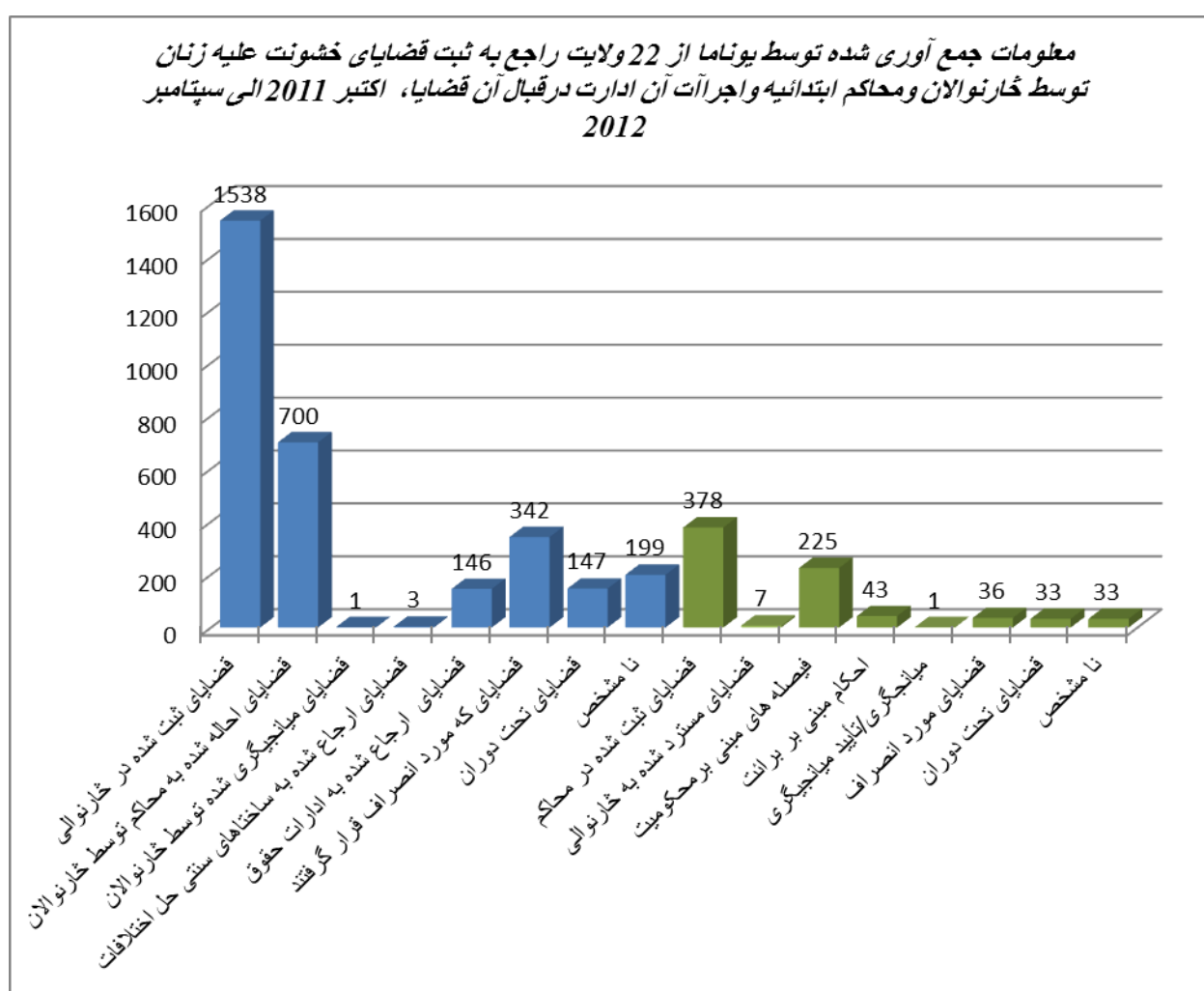
^{۴۳} بدخشان، بادغیس، بامیان، بلخ، دایکندی، فراه، فاریاب، غزنی، غور، هرات، جوزجان، کابل، کاپیسا، خوست، کنر، لغمان، ننگرهار، پکتیکا، پکتیا، پروان، سمنگان و تخار.

^{۴۴} نظارت ساحوی یوناما، سپتامبر ۲۰۱۱

حقوق وزارت عدلیه ارجاع گردیده اند. خارنوالان گفتند که تنها در یک قضیه میانجیگری توسط خارنوالان صورت گرفته و سه قضیه دیگر به ساختارهای سنتی حل منازعات ارجاع گردیده است. با این وجود یوناما به این نظر است که قضایای بیشتری به ساختارهای سنتی حل منازعات ارجاع شده و یا مورد میانجیگری قرار گرفته اند زیرا نظارت ساحوی نشان میدهد توسل به این روش یک رویه عام می باشد.

در همین دوره محاکم شهری در ۲۲ ولایت^{۴۵} (بدون محاسبه کابل) در کل ۳۷۸ قضیه را ثبت نموده که از آن جمله ۲۲۵ قضیه (۵۹ درصد) منجر به محکومیت شده، هفت قضیه (۲ درصد) با قرار قضایی دوباره به خارنوالی ها مسترد شده، ۴۳ قضیه (۱۱ درصد) حکم برائت دریافت کرده، ۳۶ قضیه (۹٫۵ درصد) مورد انصراف مجنی علیه قرار گرفته، یک قضیه میانجیگری شده و ۳۳ قضیه (۹ درصد) دیگر تحت دوران بوده اند. یوناما قادر به دریافت معلومات راجع به ۳۳ قضیه (۹ درصد) باقی مانده نشد.

در مقایسه با دوره قبلی زمانی که محاکم شهری از عین همین ۲۲ ولایت تنها ۸۴ قضیه خشونت علیه زنان را ثبت کرده بود، ثبت



قضایا توسط محاکم شهری در این دوره بیشتر از چهار برابر افزایش یافته است. (گراف پائین را مشاهده کنید).

^{۴۵} بدخشان، بادغیس، بامیان، بلخ، دایکندی، فراه، فاریاب، غزنی، غور، هرات، جوزجان، کاپیسا، خوست، کنر، لغمان، ننگرهار، نیمروز، پکتیکا، پکتیا، پروان، سمنگان و تخار.

یوناما مشاهده نموده است که در کل گزارش دهی، ثبت و تحقیق قضایای خشونت علیه زنان در دوره جاری، مخصوصاً در پولیس ملی، در مقایسه با آمار واقعات ثبت شده توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان هنوز در سطح پائین قرار دارد. این نشان میدهد که علی رغم پیشرفت در تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط خارنوالی ها، هنوز چالشهای زیادی در مقابل گزارش دهی و ثبت قضایا توسط ارگانهای تنفیذ قانون باقی مانده اند. (در بخش ۴ این گزارش به این موضوع جزئیات بیشتر داده شده)

۳.۲. تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط خارنوالان و محاکم

در ۱۶ ولایت^{۴۶} دفتر یوناما توانست معلوماتی با جزئیات بیشتر را از خارنوالی ها و محاکم شهری جهت ارائه یک بازنگری مفصلتر راجع به تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط این ارگانها، جمع آوری کند. در مقایسه با دوره قبلی، یافته های یوناما در این دوره پیشرفت در تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط خارنوالیها و محاکم را نشان میدهد.^{۴۷}

در ۱۶ ولایتی که یوناما قادر به دریافت معلومات با جزئیات بیشتر از پولیس، خارنوالی ها و محاکم راجع به تطبیق قانون منع خشونت علیه زن شدند؛ ۴۷۰ واقعه خشونت علیه زنان در آن ولایات در ادارات پولیس و خارنوالی ثبت شده اند. از جمله این ۴۷۰ قضیه، خارنوالی ها ۱۶۳ قضیه را به محاکم احاله نموده اند که از آن جمله ۱۰۰ قضیه (۶۱ درصد) منجر به محکومیت شده اند. ۷۲ قضیه (۴۴ درصد) از جمله ۱۶۳ قضیه با استناد به قانون منع خشونت علیه زن احاله محاکم شده اند. از جمله این ۷۲ قضیه ۵۲ قضیه (۷۲ درصد) با استناد به قانون منع خشونت علیه زن منجر به محکومیت شده اند.

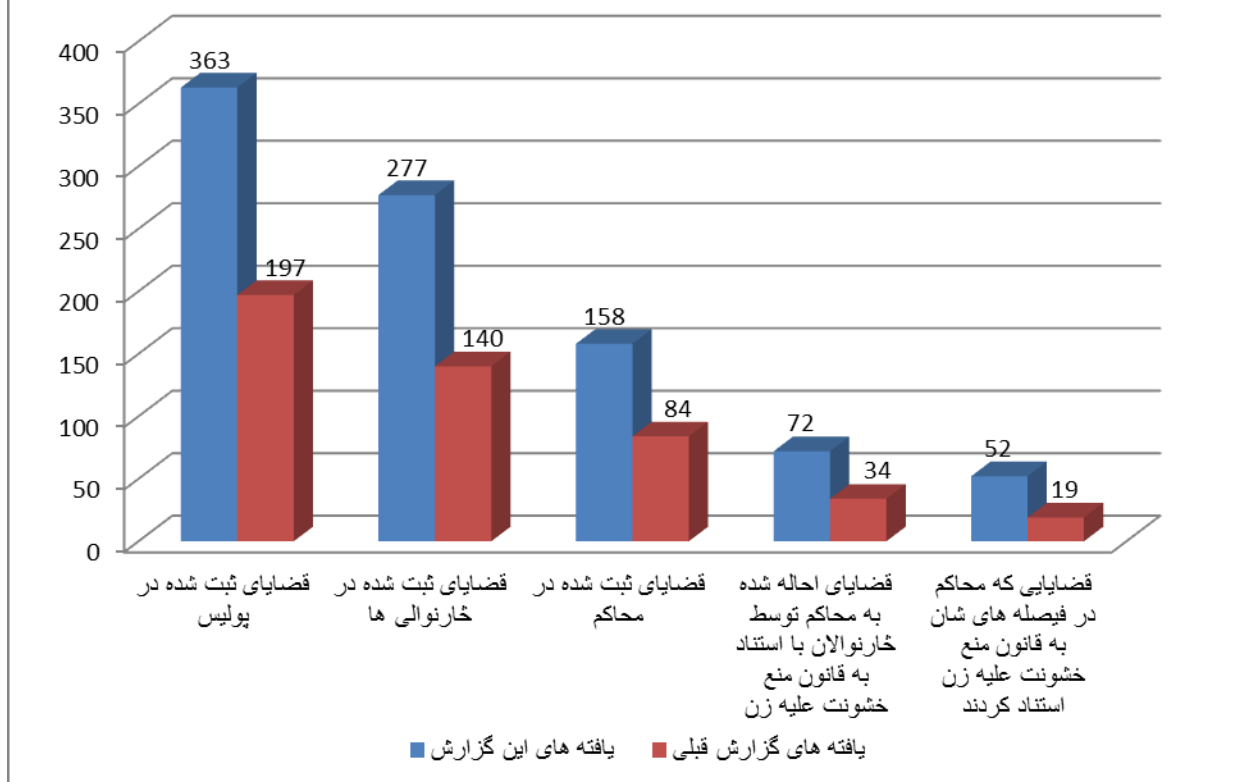
یافته های این گزارش نشان دهنده پیشرفت در ثبت قضایا و به کاربردن قانون منع خشونت علیه زنان توسط خارنوالیها و محاکم ابتدایی در مقایسه با یافته های گزارش قبلی، می باشد.^{۴۸} خارنوالان قضایای بیشتری را ثبت کرده اند و محاکم شهری نیز محکومیت بیشتری را با استفاده از قانون منع خشونت علیه زن صادر نموده اند. در حالیکه این پیشرفت بسیار قابل اهمیت و قابل ستایش می باشد، اما با آنهم در مقایسه با ۴۰۱۰ قضیه ثبت شده توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در طی هفت ماه گذشته سال جاری خورشیدی (حمل تا ختم میزان ۱۳۹۱)، فیصدی اندکی از قضایا فرایند ثبت، تحقیق، تعقیب و محاکمه را سپری و منجر به صدور محکومیت شدند.

^{۴۶} بدخشان، بادغیس، بامیان، دایکندی، فراه، غور، جوزجان، کاپیسا، خوست، کنر، لغمان، ننگرهار، پکتیکا، پکتیا، پروان و سمنگان.

^{۴۷} مراجعه کنید به گزارش یوناما تحت عنوان "راه طولانی فراروی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان" نوامبر ۲۰۱۱. با وجود اینکه روش شناسی، معلومات قابل دسترسی و تحلیل به کار رفته در هردو گزارش یوناما، عین هم نیست که این مسئله مقایسه مستقیم را دشوار ساخت، اما با آنهم یوناما یک مقایسه و مشاهده کلی از تطبیق قانون منع خشونت علیه زن بر اساس یافته های خویش در جریان دو و نیم سال را ارائه می کند.

^{۴۸} در گزارش قبلی از عین ۱۶ ولایت، خارنوالیها و پولیس ۳۳۷ قضیه خشونت علیه زنان را ثبت نموده که در ۱۹ مورد (۳۴ درصد) محکومیت ازجمله ی ۵۶ مورد محکومیت، محاکم قانون منع خشونت علیه زن را استفاده نموده بود.

تحلیل مقایسوی یافته‌های گزارش قبلی و گزارش حاضر یوناما راجع به تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط خارتوالان و محاکم در ۱۶ ولایت



یادداشت: برای امتناع از تکرار، ۱۷۰ واقعه که توسط پولیس به خارتوالان ارجاع شدند از مجموع واقعات ثبت شده توسط پولیس و خارتوالی در جریان اکتبر ۲۰۱۱ تا سپتامبر ۲۰۱۲، کم شده اند.

مثالهای توضیحی بیشتر

ولایت هرات در فهرست ۱۶ ولایت نمونه گیری شده که یوناما تطبیق قانون منع خشونت علیه زن را در آن ولایات مطالعه کرد، شامل نیست. در قسمت تطبیق قانون منع خشونت علیه زن، هرات یک استثنا بود به خاطر که خارتوالی آن گزارش داد که از جمله ۳۳۵ قضیه ثبت شده در آن اداره ۱۴۴ قضیه (۴۳ درصد) مورد تعقیب عدلی و آنهم تماماً بر اساس قانون منع خشونت علیه زن قرار گرفتند. معلومات دریافتی از ولایت فاریاب نیز نشان دهنده آمار بلند از رسیدگی قضایا بر اساس قانون منع خشونت علیه زن میباشد (۲۷ مورد از جمله ۳۲ قضیه ثبت شده). اما این روند در سایر ولایات مشاهده نشد به طور مثال در ولایت بامیان ۵۳ قضیه خشونت علیه زنان در خارتوالی ثبت و رسیدگی شده است که از آن جمله ۴۴ مورد آن مطابق قانون منع خشونت علیه زن جرم تعریف شده است به شمول لت و کوب (که منجر به جراحت یا معلولیت گردد)، بد دادن، اقدام به بد دادن، تجاوز جنسی فردی و دسته جمعی، اجبار به خود سوزی، و تهدید و خشونت لفظی. با این وجود، تنها شش قضیه بر اساس قانون منع خشونت علیه زن در محکمه شهری این ولایت رسیدگی قضایی شده است.^{۴۹}

در ولایت ننگرهار از جمله ۸۵ قضیه گزارش شده به پولیس، تنها چهار قضیه با استفاده از قانون منع خشونت علیه زن رسیدگی گردیده است. ارجاع قضایا به ساختارهای سنتی حل منازعات، انصراف از شکایت توسط قربانی مطابق ماده ۳۹ قانون مذکور و ناتوانی یا بی میلی پولیس در دستگیری متهمین از جمله عوامل تطبیق ضعیف قانون منع خشونت علیه زن، توسط یوناما شناسایی گردید.

^{۴۹} یوناما به این نظر است که آمار ممکن بالاتر باشد اما به دلیل چالش ها در همکاری و ثبت غیر دقیق وقایع، حصول معلومات دقیق دشوار بود.

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که تطبیق قانون منع خشونت علیه زن لزوماً به معنی این نیست که همیشه محاکم به نفع زنان قربانی تصمیم می‌گیرد.^{۵۰} بلکه در بعضی قضایا استناد به قانون جزاء به نفع قربانیان تمام شده است، مشخصاً در موارد تجاوز که در قانون جزاء صریح‌تر از قانون منع خشونت علیه زن بیان شده است. همچنین در قسمت لت و کوب (مندرج در قانون منع خشونت علیه زن، یا ماده ۲۲ راجع به جراحت و معلومیت و یا ماده ۲۳ راجع به ضرب و جرح^{۵۱}) قانون جزاء واضحتراً بوده، مخصوصاً زمانی که این عمل منجر به جراحت می‌شود.

در بعضی موارد دیگر استفاده از قانون جزاء به ضرر قربانیان تمام شده است. بسیاری از مرتکبین اعمال خشونت علیه زنان که در قانون منع خشونت علیه زن جرم پنداشته شده، زمانی که بر اساس قانون جزاء مورد تعقیب عدلی قرار گرفته‌اند، یا برائت یافته‌اند، یا متهم به ارتکاب جرم خفیف‌تر شده‌اند و مجازات سبک‌تر دریافت کرده‌اند و یا هم قربانیان متهم به ارتکاب "جرایم اخلاقی" شده‌اند.^{۵۲}

همچنین، یوناما گزارشهای را دریافت نموده مبنی بر اینکه خائرنوالان استفاده از قانون جزاء را نسبت به قانون منع خشونت علیه زن ترجیح می‌دهند به خاطر اینکه مرتکبین خشونت علیه زنان بتوانند در آینده از فرمان عفو رئیس جمهور برخوردار شوند. این در حالیست که ستره محکمه در جولای ۲۰۱۱ ماده ۴۲ قانون منع خشونت علیه زن^{۵۳} را که عفو و تخفیف مجازات مرتکبین خشونت علیه زن را ممنوع قرار داده، ملغاً اعلان نمود. ستره محکمه این ماده را در تعارض با قانون اساسی و صلاحیت‌های رئیس جمهور مندرج در آن قانون دانست.^{۵۴} کمبود دانش و معلومات مقامات قضایی مثال دیگری از خلاء در برقراری ارتباط بین کابل با مقامات عدلی و قضایی عملیاتی در ولسوالی‌ها راجع به اقدامات در قسمت پالیسی و بازنگری حقوقی می‌باشد.

یوناما به این نظر است که استفاده گسترده از قانون جزاء و استناد اندک به قانون منع خشونت علیه زن ممکن است مانع تطبیق قانون اخیر الذکر بگردد. هماهنگ‌سازی هر دو قانون به منظور بهینه‌سازی محافظت زنان باید در دستور کار قرار گیرد. طوریکه در گزارش قبلی یوناما پیشنهاد گردید، آموزشهای بیشتر خائرنوالان در سطح ولسوالی و بالاتر (ابتدائیه و استیناف) و نظارت مستمر لوی خائرنوالی میتواند در افزایش تطبیق قانون منع خشونت علیه زن به ویژه در تعقیب عدلی مرتکبین جرایم مشدده خشونت علیه زنان ممد واقع شود. (بخش ۴.۳-ج را نیز ملاحظه نمایید)

^{۵۰} در يك قضیه تجاوز جنسی دسته جمعی در ولایت بامیان که در آن يك دختر صنف دهم قربانی قرار گرفته بود، دو متهم تجاوز (که خائرنوالی آنها را طفل تلقی کرد) و يك دختر دیگر به حیث شریک جرم دستگیر و براساس قانون منع خشونت علیه زن به اتهام تجاوز و شراکت در جرم تحت تعقیب عدلی قرار گرفت. محکمه شهری در ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۲ هرسه متهم را برائت داد. نگرانی‌ها نسبت به اینکه رشوت دهی ممکن بر رای اکثریت در محکمه نفوذ کرده باشد به خاطر که یکی از قضاتی که در اقلیت قرار داشت رای بر مجرمیت متهمین داشت. به تاریخ ۳۰ سپتامبر یوناما عریضه‌ای از جانب پدر قربانی دریافت نمود که چنین اظهار میدارد: "این افراد مرتکب تجاوز جنسی شدند و در برابر این عمل غیر شرعی و غیر قانونی شان آنها به همکاری محکمه شهری آزاد اند. ما خواهان تطبیق شریعت و قوانین افغانستان هستیم و اگر تطبیق نگردد ما مجبوریم منطقه را ترک کنیم". نظارت ساحوی یوناما، سپتامبر ۲۰۱۲.

^{۵۱} قانون منع خشونت علیه زن؛ **جراحت و معلولیت**، ماده ۲۲ فقره (۱). شخصی که زن را مورد ضرب و جرح قرار دهد، حسب احوال و با در نظر داشت شدت و خفت جرم مطابق احکام مندرج مواد ۴۰۷ الی ۴۱۰ قانون جزا مجازات می‌گردد. فقره (۲) هرگاه اعمال مندرج فقره یک این ماده منجر به مرگ مجنی علیها گردد، مرتکب حسب احوال به جزای پیش بینی شده مندرج مواد ۳۹۵ الی ۳۹۹ قانون جزا محکوم می‌گردد. **لت و کوب**؛ ماده ۲۳: شخصی که زن را مورد لت و کوب قرار دهد ولی منجر به جراحت یا معلولیت وی نگردد، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه بیشتر نباشد محکوم میگردد.

^{۵۲} نظارت از قضایای انفرادی توسط یوناما در سراسر افغانستان، از مارچ ۲۰۱۰ الی سپتامبر ۲۰۱۱.

^{۵۳} ماده ۴۲ قانون منع خشونت علیه زن راجع به عفو و تخفیف مجازات: مجازات محکومین جرایم خشونت تعلیق، عفو یا تخفیف شده نمی‌تواند.

^{۵۴} مصوبه ستره محکمه ۲۷ جولای ۲۰۱۱ "... همچنان در قبال استهدای مبنی بر این که ماده (۴۲) قانون منع خشونت علیه زن محدودیتی را در تطبیق فرامین عفو و تخفیف مجازات مقام عالی ریاست جمهوری ایجاد نموده، تصریح کرد که موضوع عفو و تخفیف مجازات مجوسین نظر به حکم قانون اساسی کشور از جمله صلاحیت‌های رئیس جمهور بوده که میتواند به هر شکلی ائرا اعمال نماید، بنابراین ماده فوق قانون محو خشونت علیه زنان خلاف قانون اساسی بوده. نمیتواند قانون اساسی را مقید نماید بناء ملغی و غیر قابل تنفیذ میباشد."

۳.۳. روند، الگو و انواع واقعات خشونت علیه زنان

با استفاده از نظارت ساحوی خود از اکتبر ۲۰۱۱ الی سپتامبر ۲۰۱۲ و ثبت واقعات در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، یوناما ملاحظه نموده است که خشونت علیه زنان هنوز هم در سطح بسیار وسیع در افغانستان وجود دارد. اشکال متداول خشونت علیه زنان عبارت اند از: لت و کوب، خشونت های جنسی و رفتارهای زیان آور مانند ازدواجهای قبل از وقت و ازدواجهای اجباری که اکثراً منجر به خود سوزی میشود، بد دادن، جرم دانستن "فرار از منزل" و قتل هایی که "قتل ناموسی" نامیده می شود که در قانون منع خشونت علیه زن درج نمی باشد.

لت و کوب

"شوهرم موی سرم را کَل کرد، من با طناب لت شدم، من در یک خانه قفل شدم و به من فقط یک تکه ی کوچک نان برای زنده ماندن داده می شد. ... از ولسوالی ... ولایت بدخشان توسط یک تیم سیار صحنی پیدا شد که در یک خانه قفل شده بود." وی برای تحقیق و مداوا به فیض آباد انتقال داده شد. اکتبر ۲۰۱۲.^{۵۵}

یوناما دریافت که از جمله تخلفات جرم انگاری شده در قانون منع خشونت علیه زن، لت و کوب بیشترین واقعات گزارش شده به پولیس و خارنوالی بوده و ۸۹۶ واقعه لت و کوب در دفاتر خارنوالی ثبت شده است (به شمول واقعات ثبت شده در خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در کابل).

قتلهای ناموسی

"پولیس در دستگیری متهم ... ناکام ماند. وی همسرش را به تاریخ ۲۹ / اپریل ۲۰۱۲ در بغلان جدید بعد از اینکه به او گفته شده بود که دخترش با نامزدش با همکاری مادرش فرار کرده به قتل رسانده بود. پولیس میگوید که متهم در حال فرار است در حالیکه من روز بعد وی را در نزدیکی دفتر ولسوال دیدم."

--- یک خارنوال از ولایت بغلان، سپتامبر ۲۰۱۲.^{۵۶}

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ۶۰ واقعه قتل ناموسی را از سراسر افغانستان در جریان ماه مارچ الی اگست ۲۰۱۲ (شش ماه اول سال ۱۳۹۱ خورشیدی) ثبت نموده که یک افزایش شدید را در گزارش دهی و احتمالاً در وقوع این واقعات در مقایسه با ۲۰ واقعه ای که در عین مدت در ۲۰۱۱ به ثبت رسیده بود نشان میدهد.^{۵۷} معلوماتی که یوناما از ارگانهای تنفیذ قانون در دوره بین اکتبر ۲۰۱۱ تا سپتامبر ۲۰۱۲ دریافت کرده نشان دهنده ی ثبت ۲۹ واقعه قتل های ناموسی در پولیس (تنها ۱۵ مورد در ولایت فاریاب) و ۳۹ واقعه در دفاتر خارنوالی (۱۲ مورد در پکتیا و ۱۵ مورد در هرات) و ۲۷ واقعه دیگر در محاکم می باشد.

خشونت های جنسی

"من مورد تجاوز جنسی توسط سه مرد مسلح به شمول ... برادر قوماندان ... در ۲۴ نوامبر زما نیکه مرا به محل نامعلومی بردند قرار گرفتم. آنها مرا مجبور کردند که در یک تاکسی بنشینم و آنها عکسهای برهنه از من گرفتند و بعداً راننده تاکسی را مجبور کرد که در پهلوی من بنشیند و آنها عکس مرا با راننده تاکسی نیز گرفتند. بعداً مرا با راننده تاکسی تنها گذاشته و من با آن راننده به قریه ام آمدم. من میخواهم که مجرمین به سزای اعمال شان برسند در غیر آن من خود کشی می کنم."

^{۵۵} مصاحبه دفتر یوناما با قربانی در فیض آباد، ولایت بدخشان، ۱۴ اکتبر ۲۰۱۲.

^{۵۶} مصاحبه تلفونی یوناما با یکی از خارنوالان در ولایت بغلان، ۵ سپتامبر ۲۰۱۲.

^{۵۷} مصاحبه یوناما با کمیشنر حمایت و انکشاف حقوق زنان در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، سپتامبر ۲۰۱۲، کابل.

--- قربانی یک تجاوز جنسی دسته جمعی از ولسوالی.... ولایت بغلان، نوامبر ۲۰۱۱.^{۵۸}

واقعات خشونت های جنسی به شمول تجاوز جنسی و فحشای اجباری نیز در سطح بالایی قرار داشت. بعضی از این قضایا مورد توجه مطبوعات داخلی و بین المللی قرار گرفته و مرتکبین آن تعقیب قضایی شدند. قضیه لعل بی بی از ولایت قندوز نشان دهنده ی تعقیب قضایی اختطاف و تجاوز است. با این وجود، یوناما مشاهده نموده است که اکثریت این نوع قضایا یا تحقیق نشدند و یا جریان تحقیق آن به دلایل مختلف طوریکه قبلاً در این گزارش ذکر گردید، متوقف شده است.

در مدت زمانی که این گزارش پوشش داده، پولیس و خرنوالی ها در ۲۲ ولایت به ترتیب ۶۳ و ۹۳ قضیه تجاوز جنسی را ثبت نموده اند این در حالیست که محاکم در این ۲۲ ولایت ۶۴ قضیه تجاوز جنسی را ثبت نموده اند. یک تعداد از قضایای تجاوز جنسی عمدتاً به دلیل عدم صراحت مدارک اثباتیه، باورهای سنتی، اغماض در تطبیق درست قانون منع خشونت علیه زن و همچنین نفوذ و قدرت مرتکبین و طرفداران آنها مخصوصاً در سطح محاکم به قضایای زنا تحریف شدند.^{۵۹}

"جرایم اخلاقی"

"من ... را دوست دارم اما خانواده من مرا به کسی دیگر از قریه ما نامزد نمود. من ... تصمیم گرفتیم که از ولسوالی ولایت خود به ولایت دیگر فرار کنیم. پولیس ما را در این ولایت در ششم ماه جون ۲۰۱۲ دستگیر کرد و خرنوال مرا برای معاینه طبی به یک داکتر از ریاست صحت عامه معرفی کرد. من از داکتر خواستم که مرا معاینه نکند به خاطر که من بی گناه بودم و مرتکب هیچ عمل نشده بودم. اما داکتر درخواست مرا رد کرد و مرا معاینه کرد و معلوم شد که حرف من درست بوده و هیچ علایم از مقاربت جنسی پیدا نشد."

دختر ۱۷ ساله از ولایت بدخشان که بعداً توسط محکمه ابتدائیه آزاد شد، اگست ۲۰۱۲.^{۶۰}

رویه غیر قانونی دستگیری و تعقیب عدلی زنان و دخترانی که به خاطر نجات از خشونت های خانگی یا سایر رفتارهای زیان آور به فرار از منزل متوسل می شوند، همچنان ادامه دارد. پولیس ۶۲ مورد و خرنوالان ۳۱ مورد و محاکم ۹ مورد فرار از منزل را ثبت نموده اند.

قابل یادآوری است که لوی خرنوالی جمهوری اسلامی افغانستان مصوبه شورای عالی لوی خرنوالی مورخ ۴ اپریل ۲۰۱۲ پیرامون قضایای فرار از منزل را طی یک متحد المال به تمام خرنوالی های تابعه آن از قرار ذیل ارقام داشت:

در جلسه شورای عالی لوی خرنوالی پیرامون قضایای فرار از منزل چنین تصویب به عمل آمد: به همه خرنوالی های مربوط مرکز و ولایات متحد المال ترتیب و تکثیر گردد تا در موارد فرار از منزل که در قوانین افغانستان عنصر جرمی نداشته باشد قابل تعقیب در محاکم نبوده از ترتیب دوسیه های بی محتواء و تعقیب بی مورد اجتناب بعمل آید. سایر حالات فرار از منزل که بمنظور ارتکاب جرایم صورت گرفته باشد ازین امر مستثنا می باشد.

موضوع بشما ارقام، در مورد طبق هدایت مصوبه شورای عالی لوی خرنوالی ج-ا-ا- اجراآت خواهند فرمود.^{۶۱}

این نامعلوم است که خرنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان تا چه حد این متحد المال را تطبیق نموده است و آیا تطبیق آنرا نظارت نموده اند یا خیر. بر اساس معلومات بعضی منابع^{۶۲}، خرنوالان در کابل، ننگرهار، بلخ، هرات^{۶۳} و پروان این متحد المال را دریافت نموده اما بدون رهنمود های بیشتر.

^{۵۸} مصاحبه یوناما با قربانی، بغلان، ۲۸ نوامبر ۲۰۱۱.

^{۵۹} نظارت ساحوی یوناما، اکتبر ۲۰۱۱ - سپتامبر ۲۰۱۲.

^{۶۰} مصاحبه یوناما با قربانی، ولایت بدخشان، ۹ جون ۲۰۱۲. براساس گزارشها قربانی توسط محکمه در جولای ۲۰۱۲ آزاد شد. نظارت ساحوی یوناما، سپتامبر ۲۰۱۲.

^{۶۱} متحد المال لوی خرنوالی جمهوری اسلامی افغانستان که مصوبه شماره (۲) ۱۳۹۱/۱/۱۶ شورای عالی لوی خرنوالی را ابلاغ داشت.

فرار از منزل در قوانین افغانستان جرم نیست. هیچ ماده ای از قانون جزاء به این مسئله پرداخته است و همچنین این امر در شریعت نیز جرم پنداشته نشده است، اما مقامات تنفیذ قانون اکثراً دختران را به دلیل ارتکاب این "جرم" دستگیر و محاکمه میکنند.

در نظام عدالت رسمی، زنان و دخترانی که از منزل فرار میکنند، بعضاً متهم به "قصد ارتکاب زنا" یا "شروع به عمل زنا" می شوند. (در شریعت اسلامی زنا یک جرم حدی بوده، اما اگر حد اثبات نشود، این عمل من حیث جرم تعزیری که در قانون جزای افغانستان ذکر شده، رسیدگی می شود؛ زنا اساساً مقاربت جنسی خارج از رابطه زوجیت است).

اقدام به ارتکاب زنا نه در قانون جزای افغانستان جرم تعریف شده و نه هم در شریعت جرم واضح به شمار می آید. یوناما به این نظر است که بدون در نظر داشت استدلال ها راجع به قانونی بودن نفس فرار از منزل، استناد به فرار از منزل برای اثبات اقدام به ارتکاب زنا من حیث جرم، یک سوء استفاده از قانون جزاء و شریعت است.

در اگست ۲۰۱۰، شورای عالی ستره محکمه در مصوبه شماره ۵۷۲^{۶۲} با استناد به ماده ۱۳۰ قانون اساسی، خانونالان (مقامات عدلی و قضایی) را نسبت به چگونگی رسیدگی "فرار از منزل" رهنمایی نمود. مطابق این رهنمود، محاکم باید ارزیابی بکنند که آیا فرار کننده از منزل مجرد است یا متأهل، علت و انگیزه فرار چه بوده و به کجا (خانه اقارب یا بیگانه) فرار نموده است. اگر یک زن برای نجات از خشونت و تهدید از سوی اعضای خانواده اش فرار میکند و به خانه ی اقارب - خانه یکی از محارم شرعی - خود و یا به نهادهای عدلی میرود، این عمل وی نباید جرم پنداشته شود. بر عکس اگر زن مذکور به خانه اجنبی می رود علی رغم اینکه دلیل فرار نجات از بدرفتاری بوده اما مطابق این رهنمود به دلیل اینکه وی خود را در معرض بروز جرم زنا و سایر محظورات شرعی قرار داده، بناءً عمل او غیر شرعی بوده و قابل تعزیر می باشد.

در نگاه اول متحد المال مذکور یک اقدام بازدارنده و محدود کننده در مقابل رویه معمول دستگیری دخترانی که به فرار از منزل متوسل میشوند به نظر میرسد البته با مشروط کردن به اینکه هرگاه یک زن به خانه اقارب خود یا نهادهای عدلی و قضایی فرار می کند، دستگیر نمی شود و به این طریق بازداشت ها توسط پولیس محدود می شود. اما در عمل این متحد المال به مثابه ابزار مشروعیت دهی به رویه سنتی که آزادی رفت و آمد زنان را محدود میکند، مورد استفاده قرار گرفت. علاوه بر این متحد المال زمینه را برای تطبیق گزینشی و خودسرانه قانون توسط پولیس و خانونالی مساعد ساخت که به نحو دیگری باعث نقض حقوق اساسی زنان که در قوانین افغانستان و حقوق بین المللی تضمین شده، از جمله حق زندگی، مصونیت فردی، آزادی رفت و آمد، حق صحت و عدم مداخله خودسرانه به حریم خصوصی و خانه و خانواده میگردد.

در یک جلسه به تاریخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۲، وزیر عدلیه حبیب الله غالب، وزیر امور زنان حسن بانو غضنفر و معین وزارت امور داخله میرزا محمد یارمند همه حبس غیر قانونی زنان و دختران به اتهام فرار از منزل را قویاً نکوهش کردند.^{۶۵} یوناما به این نظر است که این نوع توضیحات بسیار مهم است و در محافظت زنان و دخترانی که مجبور به فرار می شوند خیلی موثر می باشد، اما ایجاب میکند که این نوع بیانیه ها در تمام سطوح پولیس و ارگانهای عدلی و قضایی با حمایت دوامدار سیاسی در سطح بالا، به طور درست تطبیق شود.

^{۶۲} معلومات توسط سازمان بین المللی انکشاف حقوق (IDLO) شریک گردید. کابل، اگست ۲۰۱۲

^{۶۳} هرات بیشترین آمار محبوسین انائیه به اتهام فرار از منزل و جرایم اخلاقی را در خود دارد. از ۱۳۷ زن در زندان هرات ۹۶ آنها بر اساس ماده ۴۲۷ قانون جزای افغانستان - فصل زنا، لواط و هتک ناموس - محکوم شده اند، نظارت ساحوی دفتر یوناما، اکتبر ۲۰۱۲

^{۶۴} مصوبه شماره ۵۷۲ در جواب مکاتبه (استهداء) سازمان انکشاف حقوقی بین المللی که خواستار وضاحت راجع به جنبه حقوقی دستگیری و تعقیب فرار از منزل شده بود، در قالب یک مکتوب یا رهنمود یا متحدالمال صادر گردید. جوابیه دریافتی با یوناما نیز شریک گردید. مصوبه مذکور در روزنامه اصلاح به تاریخ ۲۵ اگست ۲۰۱۰ نیز نشر شد.

^{۶۵} جلسه اختصاصی که توسط کمیسیون امور زنان، جامعه مدنی و حقوق بشر ولسی جرگه دایر گردیده بود، کابل، ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۲.

اجبار به خود سوزی در میان جرایم خشونت علیه زنان نیز در سطح بالا گزارش شد. پولیس ۳۴، خارنوالان ۳۴ و محاکم ۱۴ قضیه از اینگونه قضایا را ثبت کرده اند.

ازدواجهای اجباری و زیر سن

کاکای من می خواهد مرا به خاطر ارثی که از پدر مرحومم به میراث برده بودم، به عقد پسرش در آورد. اما من شوهر نمی خواهم در عوض من می خواهم که تحصیلاتم را ادامه بدهم و می خواهم با مادرم زندگی کنم.

یک دختر ۹ ساله صنف سوم مکتب در ولایت بغلان، اپریل ۲۰۱۲.^{۶۶}

طوری که به یوناما گزارش شده است ازدواجهای اجباری و زیر سن که یکی از ریشه دارترین رسوم می باشد هنوز هم به حیث یک نوع خشونت متداول علیه زنان و دختران باقی مانده است. با وجود اینکه این روند در آماریکه از مقامات تنفیذ قانون گرفته شد، نشان داده نشده است اما منابع متعدد دیگری از قبیل ریاست امور زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان این رفتارها را به عنوان گسترده ترین خشونت گزارش دادند. کم گزارش شدن این نوع خشونت به عوامل فرهنگی، مشکلات در گزارش دهی به خاطر ترس از انتقام، تهدید به مرگ، ترس از اینکه ممکن مورد اتهام فرار از منزل و ارتکاب زنا قرار گیرد، نسبت داده میشود.

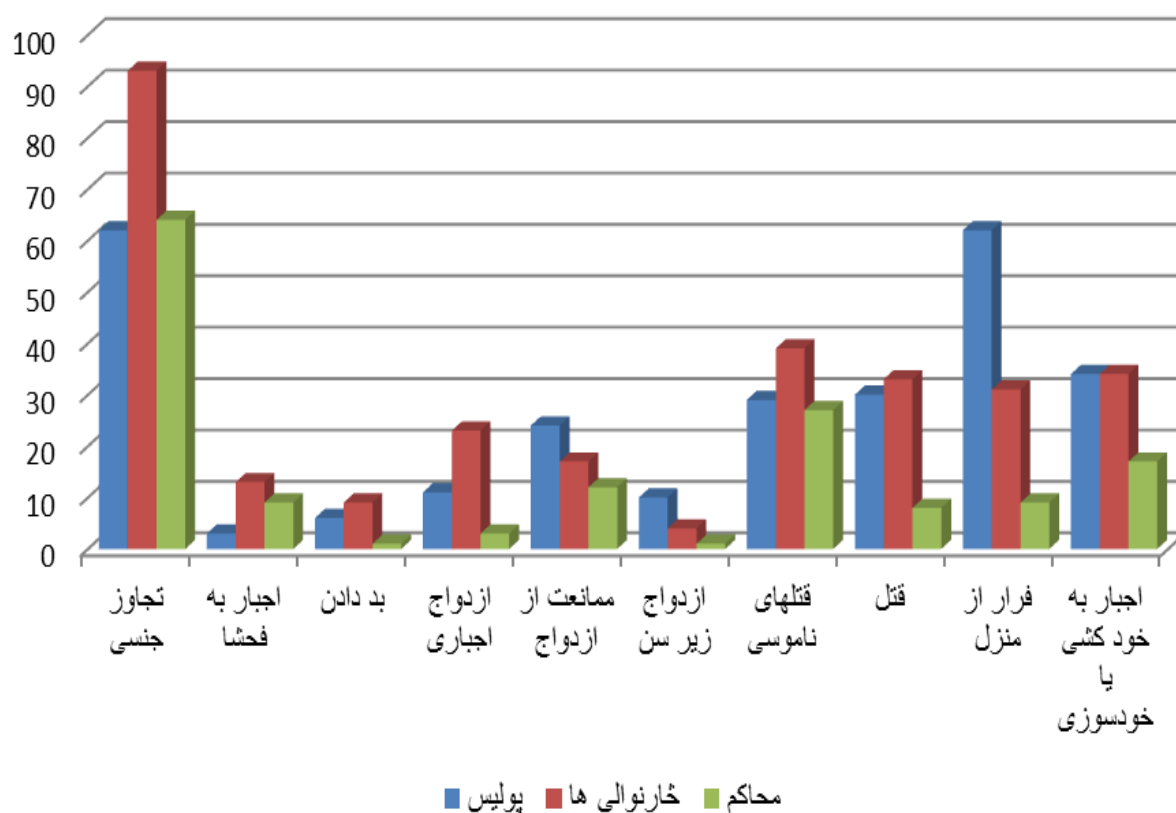
بد دادن و ازدواج بدل

یوناما همچنین قضایای "بد دادن" را علیرغم ممنوعیت آن در ماده ۲۵ قانون منع خشونت علیه زن مستند سازی نموده است. قابل یاد آوری است که به منظور تطبیق قانون منع خشونت علیه زن، لوی خارنوالی در فبروری ۲۰۱۲ یک متحد المال را راجع به تعقیب عدلی مرتکبین و افراد دخیل در رفتارهای زیان آور مانند بد دادن و ازدواج های اجباری، صادر نمود.^{۶۷} اما معلوم نیست که چه میکانیزم پیگیری برای این متحدالمال توسط مقامات صادر کننده ایجاد شده تا اطمینان حاصل گردد که این نوع رهنمودها به تمام ادارات تابعه نشر شده و در سطوح ولسوالی و مناطق دور دست آنها به این رهنمود عمل کرده اند.

^{۶۶} مصاحبه یوناما با قربانی، ولایت بغلان، ۱۴ اپریل ۲۰۱۲.

^{۶۷} نکاح اجباری و بد دادن مظاهری اند که در شریعت و قانون منع قرار داده شده و چنین موارد اکثر اسباب و عوامل خشونت را در زندگی آینده خانواده گی به بار می آورد که حوادث اخیر اتفاق افتاده در کشور که از طریق مطبوعات انعکاس یافته واقعاً قابل تشویش و نگرانی می باشد. **بناءً هدایت داده می شود تا طبق پیشبینی مواد (۲۵، ۲۶، ۲۷) قانون منع خشونت علیه زن افراد و اشخاص ذیدخل از قبیل (عاقده، مصلح، شاهد و وکیل) باید مورد باز پرس و پیگیری قانونی قرار داده شوند.** متحد المال لوی خارنوالی، ۲۴ جنوری ۲۰۱۲.

معلومات جمع آوری شده توسط یوناما از 22 ولایت راجع به انواع متداول خشونت علیه زنان، اکتبر 2011 تا سپتامبر 2012



یاد داشت: در نتیجه عدم تناسب زیاد، آمار قضایای لت و کوبی در این چارت گنجانده نشد.

۴. دسترسی زنان قربانی به عدالت

"من نسبت به خشونت علیه زنان قربانی که برای مداوا به شفاخانه می آیند، متأسفم. با وجود آنکه ما میدانیم که آنها قربانی خشونت خانگی اند اما به سادگی میگویند که از پله ها به زمین افتیده یا لغزیده اند و غیره؛ احتمالاً به خاطر آن که آنها نمی خواهند هویت مرتکبین را افشا کنند یا رابطه فAMILIی خویش را برهم زنند."

--- داکتر در شفاخانه تخار، جنوری ۲۰۱۲^{۶۸}

یافته های یوناما نشان میدهد که زنان و دختران قربانی خشونت بنا بر عوامل مختلف همچنان با چالشهای بی شماری برای دست رسی به عدالت مواجه اند. بسیاری از زنان قربانی وضعیت خویش را به نهادهای تنفیذ قانون گزارش نمی دهند و دلایل آن هم موانع فرهنگی، تابوها و هنجارهای اجتماعی، باورهای سنتی و مذهبی که موقف مطیع برای زنان قایل اند، ترس از بدنامی و رانده شدن از جامعه و گاهی اوقات تهدید علیه زندگی آنها می باشند که در نتیجه بسیاری از واقعات خشونت علیه زنان به نهادهای رسمی تنفیذ قانون گزارش نمی شود. به طور مثال؛ بر اساس برآورد دفتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در پکتیا، تقریباً ۸۰ درصد قضایایی از این قبیل به پولیس یا سایر ارگانهای عدلی و قضایی گزارش نمی شود.

عوامل دیگری که زنان و خانواده های آنها را از دسترسی به عدالت باز میدارد عبارت اند از: عدم اعتماد به پولیس، خارنوالان و ریاست های امور زنان، نبود مراکز حمایتی زنان (خانه امن)، فقدان نهادهای مدنی و موسسات حمایت از حقوق زنان و یا کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در بعضی مناطق معین و عدم آگاهی از حمایت های قانونی (قانون منع خشونت علیه زن) و سازوکارهای حمایتی (ریاست های امور زنان، خانه های امن) از قربانیان در برابر خشونت علیه زنان.

خانه های امن به حیث یک انکشاف نسبتاً جدید در افغانستان با ارائه سرپناه موقت به قربانیان خشونت علیه زنان، همچنان نقش نجات دهنده زندگی را بازی میکنند. شورای وزیران دولت افغانستان اولین مقرر مقرر مربوط به مراکز حمایتی زنان (خانه های امن) را به تاریخ ۵ سپتامبر ۲۰۱۱ تصویب نمود. با تایید نقش حیاتی ارائه خدمات توسط مراکز حمایتی دولتی یا غیر دولتی مقرر مزبور یک سری معیارهای اجرایی را جهت حفاظت حقوق و کرامت ساکنین آن تعیین نموده است. با وجود اینکه انفاذ مقرر مزبور و ایجاد خانه های امن در مناطقی که خانه های مذکور موجود نیست، یک راه حل دائمی برای قربانیان خشونت علیه زنان بوده نمی تواند، اما با آنها میتواند در برخورداری زنان از محافظت های مقرر شده در قانون منع خشونت علیه زن در برابر خشونت های خانگی موثر واقع گردد.

چالشهای دسترسی زنان به عدالت در مقابل جرایم خشن، در بخشهای ذیل توأم با قضایای توضیحی تشریح داده شده است.

۴.۱. سلطه ساختارهای سنتی حل منازعات

در بسیاری از مناطق روستایی به ویژه در صفحات جنوب شرقی، جنوبی و شرقی کشور ساختارهای سنتی حل منازعات (شوراها و جرگه ها) هنوز هم نسبت به محاکم و ساختارهای رسمی بسیار قدرتمند بوده و منحصراً پایه های حل منازعات و دسترسی به عدالت برای طیف وسیع از مردم، عمل میکنند.^{۶۹} در مناطق دوردست پشتون نشین، ضابطه های فرهنگی که به زنان نقش حاشیه ای قایل بوده و آنها را شایسته برخورداری از تمام حقوق شان نمی دانند، بر جامعه حکومت میکنند. یوناما مشاهده نموده است که در این مناطق هنجارهای سنتی - اخلاقی نقش برجسته ای بازی میکنند که اکثراً موجب کنار گذاشته شدن قواعد شریعت می شود. در این مناطق افراد جامعه و نمایندگان نهادهای رسمی ظاهراً مجبورند از این هنجارها که در بعضی موارد در مقایسه با

^{۶۸} مطاحبه تلفونی یوناما با یک داکتر محلی، تخار، ۱۶ جون ۲۰۱۲

^{۶۹} در ولایت ننگرهار از ۵۲ قضیه ثبت شده در ریاست امور زنان آن ولایت، ۱۷ مورد آن توسط شوراها حل و فصل شده اند. آمارهای جمع آوری شده از پولیس، ریاست امور زنان و دفتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در آن ولایت توسط یوناما، اگست ۲۰۱۲.

قوانین افغانستان و شریعت جنبه حمایتی کمتری نسبت به حقوق زنان دارند، پیروی کنند. این وضعیت در فراگیری شدن عدم رعایت قوانین نافذ توسط نهادهای محلی نقش بازی میکند.

نظارت یوناما دریافت کرده است که در بسیاری از موارد خشونت علیه زنان؛ پولیس، خانونالان، ریاست امور زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر نیز قضایا را به ساختارهای سنتی حل منازعات راجع کردند. مشاهده گردیده است که تصامیم این ساختارها اکثراً توسط زورمندان محل اتخاذ میگردد که پروسیجرهای مختلفی را در تصمیم گیری خویش به کار می برند و تصامیم شان را بر آمیزه ای از رفتارهای سنتی، تفاسیر متفاوت از قواعد اسلامی و روابط قدرت در محل، بنا می نهند. یوناما مشاهده نموده است که این تصامیم اکثراً با ضابطه های قانونی و قواعد مذهبی در تناقض اند. در نتیجه، گروههای آسیب پذیر در جامعه خصوصاً زنان و اطفال بیش از پیش قربانی میگردند. به طور مثال، یک محکمه ممکن مرتکب جرم تجاوز را به حبس محکوم کند و در عین حال یک ساختار سنتی حل منازعات جامعه محور ممکن تصمیم گرفته باشد که متجاوز باید با قربانی تجاوز ازدواج کند و یا در مقابل آن "بد" بدهد. توسل گسترده به ساختارهای سنتی حل منازعات ناشی از قابلیت دسترسی آنها و این برداشت که این ساختارها راه حل های سریع، ارزان و متناسب با فرهنگ ارائه میکنند، می باشد.

۴.۲. کنترل روز افزون شورشیان و ناامنی در بعضی مناطق

در حالیکه نهادهای افغانستان قادر به حفاظت از خود نیستند، چطور آنها میتوانند از من حمایت کنند؟^{۷۰}

ناامنی گسترده، فقدان یا حاکمیت ضعیف دولت، حاکمیت ضعیف قانون و عدم حضور محاکم کارا، بر اتکاء بیشتر مردم به ساختارهای سنتی حل منازعات کمک نموده است. این ساختار به طور فزاینده ای توسط رهبران بیشتر مذهبی و محافظه کار که دیدگاه عقبگرا نسبت به موقعیت زنان در جامعه دارند، اداره می شوند. یوناما این روند را در بعضی از ولایات و ولسوالی های که توسط عناصر مخالف دولت کنترل می شود مانند نورستان، پکتیکا^{۷۱}، پکتیا^{۷۲}، غزنی، خوست، زابل، ارزگان، کنر، پروان (ولسوالی های سیاه گرد، شنواری^{۷۳} و کوهی صافی)، لوگر، میدان وردک و فراه^{۷۴}، مشاهده نموده است. در بعضی از ولسوالی های این ولایات، محاکم موازی طالبان، جرگه ها و سایر ساختارهای سنتی حل منازعات تنها مراجع تامین حاکمیت قانون و حکومت داری می باشند.

به طور مثال در ماه می ۲۰۱۲ در ولایت پکتیا، طالبان یک زن را در ملاء عام به اتهام زنا سنگسار کردند. بنا بر گزارشها، آنها مردی را که ظاهراً دخیل در این اتهام بود نیز جستجو میکردند. مرد مذکور نیز به سنگسار محکوم شده بود که قبل از اجراء فرار کرده بود. مقامات دولتی در این ولایت از آگاهی داشتن از این واقعه انکار کردند.^{۷۵}

در بعضی مناطق دیگر جایکه زنان قربانی خشونت در صدد حصول عدالت از طریق نهادهای رسمی بر آمدند، افزایش فعالیت های عناصر مخالف دولت رفت و آمد افراد ملکی را محدود نموده و مشکلات دسترسی زنان در ولسوالیها و مناطق دور دست به ادارات دولتی را تشدید نموده است. به یوناما اطلاع داده شد که بعد از واقعه قتل رئیس امور زنان ولایت لغمان، از جولای

^{۷۰} در ملاقات یوناما با زنان در مناطق شرقی و جنوب شرقی ذکر گردید، نظارت ساحوی یوناما، اکتبر ۲۰۱۱ تا سپتامبر ۲۰۱۲.

^{۷۱} در یک ملاقات با یوناما به تاریخ ۵ سپتامبر ۲۰۱۲، رئیس محکمه استیناف ولایت پکتیکا گفت که به خاطر نفوذ و کنترل ضعیف دولت، به شمول مرکز ولایت-شرنه، تشکیل محاکم و خانونالی ها در ولایت پکتیکا تنها ده فیصد تکمیل می باشد. در یک ملاقات دیگر با یوناما به تاریخ ۶ سپتامبر ۲۰۱۲ یک عضو شورای ولایت پکتیکا گفت: "نظام عدالت رسمی با امکانات اندک کار میکند و مقامات محلی میگویند که ناآرامی روز افزون و معاش پایین دو عامل اساسی است که سکتور عدلی در پکتیکا با آن دست و پنجه نرم میکند. مردم توسط عناصر مخالف دولت تهدید میشوند که به طور مستقیم تمایل مردم به استفاده از مجرای رسمی عدالت را که فاسد پنداشته می شود، تحت تأثیر قرار داده است."

^{۷۲} مطابق گفته های مسئول بخش حقوق زنان دفتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در پکتیا، قریب به ۸۰ درصد قضایای ذریبط به پولیس و ارگانهای عدلی گزارش داده نمی شوند. ملاقات با یوناما، پکتیا، سپتامبر ۲۰۱۲.

^{۷۳} به تاریخ ۸ جولای ۲۰۱۲ کلیب تصویری قتل یک زن توسط طالبان به اتهام زنا در ملاء عام در ولسوالی شنواری ولایت پروان، توسط منبع نا معلوم نشر شد.

^{۷۴} در ولایت فراه تنها ۲۰ از ۵۰ بست قضایی اشغال شده اند. مقامات قضایی از مرکز ولایت بدون محکمه فعال اجراءات میکنند. نظارت ساحوی یوناما، سپتامبر ۲۰۱۲.

^{۷۵} قضیه به یوناما در ماده اکتبر گزارش شد.

۲۰۱۲ به این سو تنها دو قربانی به ریاست امور زنان در مهترلام مراجعه و عرایض خویش را تسلیم نمودند.^{۷۶} این نشان می‌دهد که زنان از مراجعه نمودن و مشاهده شدن در این ادارات شدیداً احساس ترس می‌کنند و از مورد سوء قصد قرار گرفتن هراس دارند.

زنان قربانی به یوناما گفتند: "درحالی‌که مقامات افغان نمی‌توانند از خود محافظت کنند، چطور آنها میتوانند از ما محافظت کنند؟" به همین شکل کارمندان برحال ریاست امور زنان در لغمان به یوناما گفتند که آنها در انجام وظایف شان دست باز ندارند که این خود بر توانایی این اداره در اجرای عملیات شان به شدت تاثیر گذاشته و در جریان چهار ماه گذشته آنها را به موانع زیادی مواجه نموده است.^{۷۷}

ترس از دستگیر شدن و تعقیب قضایی توسط پولیس به اتهام "قصد ارتکاب زنا" یا "فرار از منزل" با یک نامحرم یکی از تهدیدات دیگری بود که زنان قربانی نگرانی‌های خویش را راجع به آن ابراز کردند و آنرا منحيث یک عامل با نفوذ در تصمیم‌گیری خویش راجع به اینکه آیا خانه را به قصد درج شکایت ترک کنند یا نه، بر شمردند.

۳.۴. چالشها در پولیس، خارنوالی و محاکم

منحيث اولین مرجع تماس، پولیس و خارنوالی می‌تواند نقش کلیدی در محافظت زنان قربانی خشونت و پایه‌گذاری یک روند مناسب برای تطبیق قانون منع خشونت علیه زن داشته باشند. اما نظارت یوناما نشان‌دهنده نارسایی، فساد و نواقص در مرحله تحقیق توسط پولیس و خارنوالی‌ها می‌باشد که حتی مانع رسیدن بعضی از قضایای جدی به مرحله‌ی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن می‌شود.

چالشهای موجود در پولیس و خارنوالی در برابر دسترسی زنان به عدالت در کنفرانس مطبوعاتی دفتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در بامیان، به تاریخ ۲۸ جولای ۲۰۱۲ جمع‌بندی گردید.^{۷۸} مشاهدات یوناما چالشهای ذکر شده توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر در بامیان را منحيث یک روال در تمام ولایات تایید نموده که آن عبارت‌اند از: نایده گرفتن پرنسب شفافیت در رسیدگی به قضایا، طولانی شدن بیش از حد روند رسیدگی به قضایا توأم با ناپدید شدن بعضی اسناد به طور مکرر در جریان رسیدگی قضایی طولانی، تحقیقات ضعیف، روند ناقص و ناکارآمد جمع‌آوری اظهارات کلیدی شهود (مدارک اثباتیه) و شامل ساختن آن در دوسیه، عدم انسجام در رویکرد برخورد با مظنونین و متهمین در عین قضایا به ویژه در قضایایی که افراد با نفوذ و مشهور در آن به حیث متهم دخیل‌اند، فقدان سازوکار حسابداری در تشکیل پولیس و همچنان نگرش تبعیض‌آمیز پولیس نسبت به زنان.

در ذیل سایر نگرانی‌های مشخص به طور خلاصه ذکر گردیده است.

الف. میانجیگری و انصراف از شکایات

پولیس و خارنوالان در رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان اکثراً منحيث تنفیذ کنندگان قانون بی طرف عمل نکرده بلکه از رسمی‌پروی نموده که در تناقض با حاکمیت قانون قرار دارند، این یافته‌ها با یافته‌های قبلی یوناما سازگار می‌باشد. طوریکه در بالا ذکر گردید، پولیس و خارنوالی در بعضی موارد به جای رعایت اصول اجراآت قانونی، قضایا به شمول قضایای حاد را به شوراها و جرگه‌ها راجع کرده و مشوره‌های آنها را جویا شدند که اکثراً منجر به تقویت رفتارهای زیان‌آور گردیده‌اند.^{۷۹}

^{۷۶} ملاقات یاناما با ریاست امور زنان، سپتامبر ۲۰۱۲، لغمان

^{۷۷} همان

^{۷۸} بیانه مطبوعاتی دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در بامیان، ۱۸ جولای ۲۰۱۲،

<http://www.aihrc.org.af/fa/press-release/1105/press-release-bamian-office-.html>

^{۷۹} قضیه دختر ۱۸ ساله از ولایت ننگرهار که برای نجات از نامزدی اجباری با مرد مورد علاقه‌اش فرار کرده بود و توسط یوناما این قضیه نظارت گردید بیانگر این وضعیت می‌باشد. قبل از اینکه آنها به پاکستان برسند توسط پولیس سرحدی افغانسان دستگیر شدند. مرد به زندان و دختر به خانه امن فرستاده شدند. قضیه به یک

در تمام ولایات میانجیگری اولین اقدام انجام شده می باشد. بازیگران کلیدی گفتند که میانجیگری رویکرد مناسب برای حل مسایل زناشویی می باشد. بسیاری از قضایایی که به پولیس و ریاست امور زنان گزارش می شود قبل از اینکه به خانونالان و محاکم برسد به دلیل میانجیگری منجر به انصراف توسط شاکی بر اساس ماده ۳۹ قانون منع خشونت علیه زن می شود. در ولایت جوزجان، باوجود اینکه خانونالی گفتند که آنها شاکی را تشویق به انصراف نمی کنند ولی با آن هم به گفته رئیس خانونالی انصراف از شکایت بسیار معمول می باشد.^{۸۰}

یوناما دریافت است که تعداد کثیری از قضایای خشونت علیه زنان که به ساختارهای سنتی حل منازعات ارجاع می شود بدون نظارت ارگانهای ارجاع کننده مانند ریاست امور زنان، پولیس و خانونالی حل و فصل شده اند. زمانیکه زنان به خانواده خویش برگشتند، اکثراً در معرض خطر خشونت مجدد قرار گرفتند. در مواردی که خانه امن دخیل بوده و ریاست امور زنان فعالانه عمل کرده است، بعضی تدابیر محافظوی از طریق نظارت دوامدار و ملاقاتهای پیگیر با قربانی پس فرستاده شده به خانه جهت اطلاع از وضعیت او، بوجود آمده است. با این وجود یوناما دریافت است که این رویه بسیار نادر و ناکارآمد در حفاظت کامل از قربانی است.

بعضی اوقات تلاشهای میانجیگری توسط پولیس و ریاست امور زنان باعث مداخله در روند قضایی و آهسته شدن فرایند قضایی شده که در نتیجه منجر به اقامت زنان برای مدت طولانی در خانه امن گردیده است. با وجود اینکه بسیاری از قربانیان از فرزندان خود جدا شدند و محدودیت های زیای را متحمل شدند، اما با آنها خانه های امن تنها گزینه برای پناه بردن بوده به خاطر آنکه برگشت زنان قربانی به خانه و اجتماعات شان پیامدهای جدی امنیت فردی و در بعضی مواقع، امنیت جانی برای آنها داشته است.

ب. معافیت از مجازات به دلیل عدم توازن قدرت و فساد مورد ادعا

یوناما مواردی از بی میلی پولیس در امر دستگیری مرتکبین خشونت علیه زنان را مشاهده کرده است؛ مرتکبینی که با گروپهای مسلح مخالف دولت یا ملیشه های حامی دولت، اربکی ها، پولیس محلی، اشخاص متنفذ در دولت یا بیرون از دولت یا آنانیکه قادر به پرداخت رشوت اند، رابطه دارند. یوناما همچنان مشاهده نموده است که پولیس در بعضی از مناطق ضعیف تر از مرتکبین خشونت علیه زنان اند در حالیکه در بعضی مناطق دیگر به نظر می رسد که پولیس به خاطر فساد یا فقدان بی طرفی در اجرای عدالت از مرتکبین حمایت کرده اند. این پدیده با میکانیزم حسابدهی ضعیف در پولیس و نگرش تبعیض آمیز علیه زنان در هم آمیخته که منجر به مصئونیت گسترده ی مرتکبین خشونت علیه زنان در سراسر کشور شده است.

مسئله با بیان یک قضیه از ولایت فراه که توسط یوناما نظارت گردید توضیح داده می شود. در اپریل ۲۰۱۲، پولیس از پدر یک زن که توسط شوهرش در خانه حبس شده و مورد بد رفتاری قرار گرفته بود، شکایتی را دریافت کرد. مطابق گفته های منبع، زن مذکور با دختر مرد مذکور از همسر اولش، برای نجات از رفتارهای خشونت آمیز خانواده خسرش فرار نمود. پولیس هیچ اقدامی را اتخاذ نکرد و به شاکی توصیه نمود که قضیه را با متنفذین مطرح کند به خاطر اینکه واقعه در قریه ای رخ داده بود که تحت

جرگه ارجاع گردید که تصمیم گرفت تا خانواده پسری که دختر با او فرار کرده بود، یک دختر به خانواده دختر و یک دختر به خانواده نامزد او به عنوان "بد" بدهد. علاوه بر آن خانواده پسر باید شش صد هزار روپیه پاکستانی (در حدود ۶۰۰۰ دلار) به خانواده مرد که قرار بود با دختر ازدواج کند (نامزد قبلی) بپردازد. پولیس ولسوالی به خاطر اینکه تصمیم جرگه را مخالف قانون پنداشت، مداخله کرد. اما به جای دستگیری تمام متهمین دخیل در این عمل غیر قانونی، پولیس درخواست تدویر جرگه جدید را نمود. تصمیم جرگه جدید این بود که خانواده پسر باید یک دختر را به خانواده نامزد دختر (که قرار بود با دختر ازدواج کند) به عنوان "بد" بدهد و سه صد هزار روپیه (معادل ۳۰۰۰ دلار) را برای جبران خساره آن خانواده نیز بپردازد. خانواده دختر نیت شانرا برای قتل دختر ابراز کردند. اما با آنها جرگه به دختر اجازه داد که با پسری که او با وی فرار نموده بود ازدواج کند و از خانواده دختر ضمانت گرفت که به وی صدمه نرساند. پولیس هیچ کس را دستگیر نکرد. در مصاحبه با یوناما، قربانی چنین اظهار داشت: "زمانیکه من پنج ساله بودم خانواده من مرا با پسری از قریه ما نامزد کرد. اما من نمی خواستم با او ازدواج کنم... سرانجام یک جرگه با اشتراک بیشتر از ۱۰۰ نفر از متنفذین قریه دایر شد. آنها تصمیم گرفت که نامزد من در عوض خواهر نه ساله ام را به "بد" بگیرد. خانواده من نیز باید یک مبلغ را به آنها بدهد. حالا من در خانه امن هستم ولی به زودی من به خانه خود خواهم رفت. بعد از آن پسری را که من دوست دارم رسماً مرا از خانواده ام خواستگاری خواهد کرد و من سرانجام با او ازدواج خواهم نمود. به این شکل این عمل برای خانواده ام شرم آور نخواهد بود."

^{۸۰} ملاقات یوناما با رئیس خانونالی استیثاف ولایت جوزجان، سپتامبر ۲۰۱۲.

کنترل شورشیان بود. مطابق گزارشها، مدت زمانی بعد، زن مذکور و آن دختر به قتل رسیدند اما مرتکب خشونت هنوز آزاد است.^{۸۱}

در یک قضیه دیگر که توسط یوناما مستند سازی شد، یک زن ۲۱ ساله با فیر مرمی توسط شوهرش که از جمله اربکی در ولایت بلخ بود، زخمی شد اما مرتکب این عمل هرگز بازداشت نشد. پس از بدرفتاری شوهر، زن مذکور از خانه فرار نموده و به خانه والدینش رفت. شوهر او به خانه آنها رفت و بر آنها شلیک نمود (پدر زن کشته و مادرش زخمی شد). مطابق گزارشها، در نتیجه زخمها، زن مذکور دیگر قادر به باردار شدن نخواهد بود و از ناامیدی به شدت رنج می برد. مجرم فرار نموده است. منبع افزود که در فرار او ممکن پولیس کمک نموده باشد.^{۸۲}

یوناما مشاهده نموده است در مواردی که متهمین قضایای خشونت علیه زنان خود اعضای پولیس بوده، منفعل بودن در مقابل آن بسیار معمول بوده است.^{۸۳}

فساد مورد ادعا و ناتوانی نیز نقش بسیار بزرگ در شکل دهی تطبیق قانون بازی کرده است. یوناما شکایات زیادی را از زنان و خانواده های آنها که قادر به پرداخت رشوت به مقامات نبودند، مستند سازی نموده است. عدم پرداخت رشوت منجر به این شده است که قضایای آنها توسط مجریان عدالت درست رسیدگی نشوند. یک مثال آن قضیه ای در ولایت بامیان ولسوالی یکه ولنگ میباشد که در جولای ۲۰۱۲ رخ داده بود. در این قضیه خانونال یکه ولنگ از خانواده قربانی تجاوز جنسی در عوض تحقیق و تعقیب عدلی متهمین، رشوت مطالبه کرده بود. خانونال در ارتباط به این رشوت گیری در اگست ۲۰۱۲ توسط امنیت ملی و خانونال امنیت ملی دستگیر شد ولی بسیاری از قضایای رشوت دهی و رشوت گیری گزارش نمی شود.

یافته های مشابه از مناطق شمالی دریافت گردید. مطابق گفته های منابع، رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان در ولایات سرپل و جوزجان به خاطر فساد گسترده، کاملاً دچار اختلال شده است. به طور مثال، قضیه یک زن از یک قریه دور دست در ولایت سرپل توسط خانونالی که از خانواده او رشوت گرفته بود، رسیدگی شد. خانونال زن مذکور را متهم به ارتکاب زنا نمود چون خانواده آن زن وی را به فحشا متهم نموده بود. اما محکمه، البته بعد از مداخله ریاست امور زنان، تا اندازه زیادی فیصله اش را به نفع زن صادر نمود (او طلاق داده شد و شوهرش به یک سال حبس محکوم گردید).^{۸۴}

بر اساس گفته های رئیس خانونالی ولایت سمنگان، زورمندان محلی اکثراً در امورات آن ریاست مداخله میکنند. با آنها خانونالی ولایت سمنگان راجع به یک پلان اصلاحات به منظور تطبیق فرمان شماره ۴۵ ریاست جمهوری که در رابطه به مبارزه با فساد است، کار میکند.^{۸۵}

یوناما همچنان ارزیابی نموده است که در اکثر قضایایی که این سازمان نظارت نموده است، پولیس تحقیقات درست و دستگیری متهمین را انجام نداده است. قربانیان و سایر افراد ذیربطی که یوناما با آنها مصاحبه نموده گفتند که با وجود اینکه آنها مکرراً خواستار تحقیق قضایای خشونت علیه زنان شده اند اما پولیس هیچ معلوماتی را راجع به چگونگی تحقیق که به منظور ردیابی و دستگیری متهمین است، با آنها شریک نکرده است. بر علاوه تعداد زیادی از قضایا با وجود اینکه چندین ماه بدون پیشرفت در این اداره بودند، هنوز منحصراً قضایای تحت تحقیق توسط پولیس گزارش شده است. بعضی قربانیان و افراد ذیربط به یوناما اطلاع دادند که فساد در درون پولیس یکی از دلایل اصلی این حالت منفعلانه می باشد اما یوناما نتوانست این اتهامات بدون مدرک را تایید کند.

^{۸۱} قضیه توسط یوناما نظارت گردید، اپریل ۲۰۱۲، ولایت فراه.

^{۸۲} قضیه در جلسه گروپ مبارزه با خشونت مبتنی برجنسیت که در سپتامبر ۲۰۱۲ دایر گردیده بود، گزارش شد.

^{۸۳} نظارت ساحوی یوناما، اکتبر ۲۰۱۱ الی سپتامبر ۲۰۱۲.

^{۸۴} قضیه توسط رئیس امور زنان ولایت سری پل با یوناما شریک گردید، ۲۵ جولای ۲۰۱۲.

^{۸۵} ملاقات یوناما با رئیس خانونالی ولایت سمنگان، ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۲.

ج. فقدان مهارت، ظرفیت و قابلیت

یوناما دریافت که پروسه تسلیم دهی عرایض جهت احقاق حق، یک کار بسیار طاقت فرسا برای زنان قربانی خشونت می باشد. اکثراً قربانیان به اداراتی ارجاع می شوند که ذیصلاح نبوده و صلاحیت رسیدگی به قضایای جزایی خشونت علیه زنان را ندارند مانند محاکم فامیلی. به طور مثال در ولایت ننگرهار دفتر کمیسیون مستقل حقوق بشر در آن ولایت ۴۵ قربانی خشونت علیه زنان را به محکمه فامیلی آنجا راجع کرد. از آن جمله تنها ۱۵ شاکی قضایای شانرا در آن محکمه ثبت کرده بودند چون بسیاری از آن قضایا جزایی بودند و محکمه فامیلی صلاحیت رسیدگی به آنها را نداشت. محکمه فامیلی قضایای باقی مانده را به خانونالی راجع نمود.^{۸۶} یوناما مشاهده نموده است که زنان قربانی اکثراً نسبت به سرگردان شدن شان از یک دفتر به دفتر دیگر و از یک اداره به اداره دیگر ابراز ناامیدی نمودند و درنهایت از پیگیری قضایای شان منصرف شدند. تعیین خانونالانی که باید اختصاصاً با قضایای خشونت علیه زنان و قانون منع خشونت علیه زن سروکار داشته باشند، به تعویق افتاد که این موضوع نیز سر در گمی و تاخیر در ارجاع قضایا را سبب شد.^{۸۷}

یافته های یوناما نشان می دهد که یک نظام ثبت معیاری و سیستماتیک قضایا توسط پولیس، خانونالی و ریاست های امور زنان وجود ندارد و نیز دریافته است که پیگیری کافی قضایا، زمانیکه از یک اداره به اداره دیگر منتقل می شود، صورت نمی گیرد. آمار دقیق راجع به تعداد قضایا، انواع قضایا و نتیجه فعالیت های مربوطه آن ادارات تقریباً در تمام ولایات تحت پوشش موجود نبود. این نهادها اطلاعات را به طور پراکنده نگهداری میکنند و اکثراً بر حافظه های افراد یا مقاماتی که قضایا را پیگیری میکنند، اتکاء می نمایند.

علاوه بر آن، قضایای مدنی مربوط به زنان مانند طلاق و دعوی مهر نیز منحصراً قضایای خشونت علیه زنان ثبت شده اند. در بعضی ولایات مانند بامیان، تقریباً تمام قضایایی که زنان در آن دخیل بودند، توسط ارگانهای تنفیذ قانون، ریاست امور زنان و دفتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تحت کته گوری خشونت علیه زنان ثبت شده اند. بازنگری وضعیت تعدادی از قضایای انتخاب شده توسط یوناما ثبت این قضایا در آن کته گوری ها را حمایت نمی کرد. به طور مثال در مورد بامیان، قضایای لت و کوبی که در نتیجه دعوی مدنی و جنجال بالای زمین با دخیل بودن زنان و مردان رخ داده بود نیز تحت عنوان خشونت علیه زنان ثبت شده بود.

معهدا، یوناما متوجه شده است که قانون منع خشونت علیه زن خود نیز شرایط خاص و قصد مجرمانه را منحصراً عناصر تحقق جرم الزامی ندانسته است که شاید یکی از محدودیت ها باشد. به طور مثال، تعداد زیادی از تخلفات که توسط دفاتر ریاست امور زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تحت عنوان خشونت علیه زنان ثبت گردیده است بر اساس قانون مذکور، خشونت علیه زن پنداشته نمی شود مانند قتل های ناموسی، قربانی ساختن مجدد دختران و زنان که به خاطر نجات از خشونت یا ازدواجهای اجباری فرار نموده اند. این وضعیت باعث بغرنج شدن روند انکشاف و استفاده ی یک سیستم ثبت و دسته بندی قضایای خشونت علیه زنان و جرایم مندرج در قانون منع خشونت علیه زن که مشترکاً مورد استفاده قرار گیرد، شده است.

مسئله ظرفیت پولیس نیز نیاز به توجه و رسیدگی دارد. فقدان پولیس زن واجد شرایط که منحصراً افسر تحقیق تعیین میگردد، در بسیاری از گزارشها و بازنگری ها انعکاس یافته است. واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی تقویت شده و در سراسر کشور با حمایت همکاران بین المللی توسعه پیدا میکند. با آنها تحت پوشش قرار دادن مناطق دور دست توسط آنها هنوز محدود بوده و ظرفیت آنها در برخورد با تمام انواع قضایای خشونت علیه زنان به شمول جرایم شدید نیاز به انکشاف بیشتر دارد.

^{۸۶} ملاقات یوناما با رئیس محکمه فامیلی، سپتامبر ۲۰۱۲.

^{۸۷} مطابق معلومات دریافتی از سوی سازمان بین المللی انکشاف حقوق (IDLO)، واحدهای اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در خانونالی های ولایات کابل، بلخ، هرات، بدخشان و ننگرهار که از طرف آن سازمان حمایت می شود، در تشکیل خانونالی شامل شده اند و واحدهای مذکور در ولایات کاپیسا، پروان و بامیان تحت کار می باشد. بر علاوه کمیسیون مبارزه با خشونت علیه زنان در ولایت کندهار و کندز در تشکیل خانونالی می باشد، اما توسط سازمان بین المللی انکشاف حقوق حمایت نمی شود. مکاتبات یوناما با سازمان بین المللی انکشاف حقوق، ۱۲ نوامبر ۲۰۱۲.

نقش پولیس زن در رسیدگی به شکایات خشونت علیه زنان در بستر اجتماعی افغانستان جایی که زنان ترجیح میدهند مشکلات مربوط به زندگی شخصی شانرا تنها با زنان در میان بگذارند، نباید دست کم گرفته شود. استراتژی وزارت امور داخله ایجاد قطعه متشکل از ۵۰۰۰ افسر پولیس زن تا سال ۲۰۱۴ را منحصراً هدف خود تعیین نموده، اما رسیدن به آن با چالشهای زیادی مواجه است. موانع استخدام و حفظ زنان در پولیس از قبیل موارد ذیل اند: رسوم و عنعناتی که پیوستن زنان به پولیس را حمایت نمی کند، سطح پایین سواد، نبود امنیت، نبود مراقبت از اطفال (کودکستان)، تهدید و ترس از انتقام گرفتن توسط عناصر مخالف دولت و مهمتر از همه اتهامات سوء استفاده های جنسی از زنان در پولیس.^{۸۸}

در کل فقدان مهارت های لازم در انجام تحقیقات نیز مانع رسیدگی تخصصی به قضایای خشونت علیه زنان شده است. این مهم در قسمت قضایای اجبار به خودسوزی مشاهده شد که به خاطر نبود معاینات درست طب عدلی، تحقیقات صحنه جرم و جمع آوری مدارک صحنه جرم، اکثراً منحصراً قضایای "خودکشی" مورد برخورد قرار میگیرند.^{۸۹}

د. نگرش تبعیض آمیز و اولویت پایین

"خارنوال دوسیه قضیه ... را که مورد حمله قرار گرفته بود گم کرده است. خارنوال متهم را بی گناه دانست. این بی تفاوتی در حفظ اسناد و محاکمه قضایای خشونت علیه زنان را نشان میدهد"

--کارمند پولیس، ولسوالی چاه آب، ولایت تخار، اگست ۲۰۱۲.^{۹۰}

یوناما دریافت که مقامات تنفیذ قانون بعضاً قضایای خشونت علیه زنان را جدی نمی گیرند و اجراآت شان نسبت به این قضایا بطی می باشد. گفته شده است که مقاماتی هستند که میگویند این نوع قضایا "موضوعات فامیلی" بوده و باید در داخل خانه یا اجتماع محلی رسیدگی شوند. تعقیب عدلی و محاکمه مرتکبین قضایای خشونت علیه زنان اکثراً از جمله اولویت های مقامات قضایی نیستند. به طور مثال در ولایت بلخ مقامات گزارش دادند که آنها اکثراً از پذیرش توقیفی جدید به خاطر جمعیت انبوه در زندان سر باز می زدند. به این اساس در بعضی موارد واحد اختصاصی رسیدگی به خشونت علیه زنان در خارنوالی تصمیم گرفت که مرتکبین قضایای خشونت علیه زنان را بازداشت نکند.^{۹۱} به یوناما مکرراً گفته شده است که در بند انداختن مردان سبب میگردد که خانواده آنها در مضیقه قرار گیرد به این دلیل که تنها مردان خانواده نان آور خانواده هستند.

در میمنه یک خارنوال در مصاحبه با یوناما گفت که توانمند سازی زنان منجر به طلاق بیشتر می شود. او قصه طلاق گرفتن همسر راننده اش را مثال آورد که به گفته او در اثر یک دعوی کوچک بین او و شوهرش که حتی به خشونت هم نیانجامیده بود، وی شوهرش را ترک کرد. او همچنان گفت که زنان قانون را به نفع خود مورد سوء استفاده قرار میدهند و شکایت کرد که قانون برای مردانی که مورد بد رفتاری زنان شان قرار میگیرند، هیچ محافظتی را مقرر نداشته است.^{۹۲}

ه. آگاهی پایین از قانون منع خشونت علیه زن و خشونت علیه زنان

یوناما مشاهده نموده است که نبود درک واضح از نقش و مسئولیت های ریاست های امور زنان، پولیس، خارنوالی و محاکم که با قضایای خشونت علیه زنان سروکار دارند و فقدان دانش کافی در قسمت قانون منع خشونت علیه زن، همه مانع دسترسی زنان به عدالت شده اند.

^{۸۸} به گزارش "راه طولانی فراروی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان" مراجعه کنید:
<http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/Documents/A%20Long%20Way%20to%20Go%20-%20Implementation%20of%20EVAW%20law%20UNAMA%20Nov%202011-Dari.pdf>

^{۸۹} نظارت ساحوی یوناما، اکتبر ۲۰۱۱ تا سپتامبر ۲۰۱۲.

^{۹۰} --مصاحبه تلفونی یوناما با مقامات اداره تحقیقات جنایی در پلیس، ولسوالی چاه آب، ولایت تخار، ۱۵ اگست ۲۰۱۲.

^{۹۱} مصاحبه یوناما با رئیس واحد اختصاصی رسیدگی به خشونت ها علیه زنان، بلخ، ۲۱ اکتبر ۲۰۱۲.

^{۹۲} مصاحبه یوناما با خارنوال در میمنه، ۸ اگست ۲۰۱۲.

یوناما همچنان مشاهده نموده است که مقاماتی که از قانون منع خشونت علیه زن آگاهی نداشتند بعضی اعمال مشخصی را که در قانون مذکور جرم پنداشته شده، جرم تلقی ننموده که در نتیجه مرتکبین آن اعمال نیز تحت تعقیب عدلی قرار نگرفتند. یوناما ارزیابی نموده است که انواع مشخص جرایم مانند: لت و کوب، خشونت خانگی، ازدواجهای اجباری، بد دادن و ازدواجهای زیر سن توسط مقامات به مثابه جرایم جدی، تلقی نشده اند و در نتیجه برای تعقیب عدلی طوری که در قانون منع خشونت علیه زن پیشبینی شده است، فرستاده نشدند. دانش محدود نسبت به چارچوب قانونی قابل تطبیق، توانایی های آنها را جهت انجام تحقیق و تعقیب عدلی جرایم بر اساس براساس قوانین مرتبط و خاص زیر سوال ببرد و منجر به این می گردد که این قضایا بیشتر بر اساس قانون جزا که زیاد تر شناخته شده می باشد، رسیدگی شود.

در فاریاب منابع به یوناما گفت که متهمین قضایای خشونت علیه زنان در ولسوالی ها اکثراً به خارنوالان پول میدهند تا در وارد کردن اتهامات به آنها قانون جزا را به کار ببرند تا آنها بتوانند از فرمان عفو ریاست جمهوری مستفید شوند.^{۹۳}

بر اساس مصاحبه ها با خارنوالان و قضات یوناما موجودیت این رویه را به دو دلیل دانست: عدم تصویب قانون توسط پارلمان و این واقعیت که بعضی از جرایم مندرج در قانون منع خشونت علیه زن در قانون جزاء نیز شامل می باشد. به این اساس خارنوالان و قضات همچنان به قانون عام (*lex generalis*) استناد میکنند تا به قانون خاص (*lex specialis*). موجودیت احکام مشابه در کنار هم در قانون منع خشونت علیه زن و قانون جزاء سردرگمی را بوجود آورده است و ممکن است که نسبت به آن تحلیل درست و دقیق برای حفاظت حقوق زنان در نظام قضایی صورت نگیرد. سطح پایین تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان لزوماً به معنی این نیست که حقوق زنان در قضیه خاص مورد حمایت قرار نگرفته است به خاطر آنکه آن قضیه ممکن بر اساس قانون جزاء رسیدگی شده باشد. طوریکه در این گزارش ذکر گردید، باید به منظور به حداکثر رساندن محافظت از حقوق زنان و نجات آنها از خشونت و تأمین عدالت برای آنها، توجه به هماهنگ سازی، توضیح چگونگی تطبیق قانون جزاء و قانون منع خشونت علیه زن متمرکز گردد.

^{۹۳} مصاحبه یوناما با یکی از خارنوالان تحقیق خارنوالی فاریاب، میمنه، جون ۲۰۱۲.



۵. کمیسیون منع خشونت علیه زنان

"بسیاری از اعضای کمیسیون منع خشونت علیه زن به طور نمایشی در جلسات حاضر می شوند و یقیناً که به حقوق زنان باور ندارند. آنها به خاطر آن جمع می شوند که خود را در چشم یکدیگر نشان بدهد و وقت بگذرانند. به این اساس برای کاهش خشونت اراده سیاسی ضروری بوده و در سطح ولایت این مسئولیت والی می باشد که تماماً ادارت تابعه اش را مسئول قرار دهد."

-- یک کارمند ریاست امور زنان در ولایت بغلان.^{۹۴}

کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان پس از انفاذ قانون منع خشونت علیه زن در اگست ۲۰۰۹ صبغه قانونی پیدا نموده و منحصراً یک سازوکار جامع در تقویت تمام ابعاد قانون منع خشونت علیه زن کار میکند. کمیسیون مذکور تحت ریاست وزیر امور زنان به صورت فعالانه به مسائل مهم در حوزه صلاحیت کاری خویش پرداخته است. اخیراً این کمیسیون لایحه وظایف خویش و کمیسیونهای تابعه ولایتی خود را نهایی نمود.

از طرف دیگر کمیسیونهای ولایتی تصاویر متفاوتی را به نمایش گذاشته اند. کمیسیونهای متذکره در ۲۸ ولایت از جمله ۳۴ ولایت افغانستان تأسیس شده است.^{۹۵} نظارت ساحوی یوناما نشان میدهد که در اکثر این ولایات کمیسیونهای متذکره یا فعال نیستند و یا کارآیی موثر ندارند. باوجود صدور مکتوب از سوی سکرتریت کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان در اواخر ۲۰۱۰ مبنی بر رهبری کمیسیونهای ولایتی توسط والیان، هنوز در قسمت رهبری این کمیسیونها رویه واحدی وجود ندارد و ریاستهای امور زنان هنوز در بسیاری از ولایات رهبری این کمیسیونها را به عهده دارد. نقش کمیسیون در جلوگیری و پاسخ دهی به خشونت علیه زنان به طور وسیع به حمایت فعال، پشتیبانی و منافع فردی رؤسای مربوطه آن وابسته می باشد. به طور مثال در ولایت بامیان کمیسیون منع خشونت علیه زنان تحت رهبری والی آن ولایت کار میکند و ثابت نموده است که سازوکار موثر در پاسخ دهی به خشونت علیه زنان و دادخواهی برای اجرای عدالت می باشد. با آن هم یوناما مشاهده نموده است که کمیسیون متذکره تنها زمانی فعالانه به پیگیری قضایا و توصیه به ادارات ذیربط پرداخته است که والی آن ولایت در جلسات اشتراک نموده باشد.

سایر کمیسیونهای منع خشونت علیه زنان مانند کمیسیونهای ولایات میدان وردک، غزنی، فاریاب، کندز و سرپل جلسات شان را به طور منظم دایر نمی کنند و نیز فاقد موثریت می باشند. در مناطق دیگر مانند خوست، غزنی و پکتیا کمیسیونهای ولایتی به جنبه های کمتر جنجالی مسائل مربوط به زنان مانند آگاهی دهی راجع به حقوق زنان ازدیدگاه اسلام، پرداخته اند. در بسیاری ولایات دیگر کمیسیونهای متذکره علاوه بر عدم تدویر جلسات منظم نه لایحه کاری منظم دارند و نه هم کدام پلان کاری. در مواردی که جلسات شان دایر می شوند، کمیسیونهای متذکره تنها به استماع آخرین خبرها از سوی اعضا بسنده میکنند نه اینکه به مسائل پالیسی سازی و اتخاذ اقدامات موثر برای جلوگیری خشونت علیه زنان بپردازند. علاوه بر آن این کمیسیونها فاقد مکانیزم پیگیری واقعات خشونت علیه زن که به توجه آنها رسانده میشوند، می باشند.

یوناما ملاحظه نموده است که کمیسیونهای ولایتی به حمایت و نظارت بهتر و بیشتر از سوی کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن در مرکز، ضرورت دارند تا آنها بتوانند وظایف پر چالش خویش را با موثریت بیشتر انجام دهند.^{۹۶}

^{۹۴} مصاحبه یوناما با کارمند ریاست امور زنان در ولایت بغلان، ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۲.

^{۹۵} شش ولایت که هنوز کمیسیون منع خشونت علیه زن در آن تأسیس نشده عبارت اند از: هلمند، کابل، کندهار، نورستان، پکتیکا و زابل.

^{۹۶} قانون منع خشونت علیه زن ماده ۱۶ وظایف کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن را توضیح میدهد که موارد ذیل شامل آن میباشد: تحقیق در مورد قضایای خشونت علیه زن و به عهده گرفتن اقدامات پیشگیرانه؛ طرح برنامه آهای آگاهی راجع به خشونت علیه زنان، هماهنگ سازی فعالیت های دولتی و غیر دولتی برای مبارزه با خشونت علیه زنان؛ جمع آوری آمار از پولیس، غارنوالی و محاکم در مورد قضایای خشونت علیه زن و اتخاذ طرزالعمل ها به منظور بهبود تطبیق قانون منع خشونت علیه زن.

۵. ۱. ریاست های امور زنان

ملاقات های یوناما با تعداد زیادی از رؤسای ریاست های امور زنان در ولایات نشاندنده تلاشهای پیگیر این ریاست ها برای حفاظت و ارائه خدمات به قربانیان خشونت علیه زنان و چالشهای سد راه آن می باشد. در بسیاری از ولایات مناطق مرکزی، شمال، شمال شرق، جنوب شرق و مناطق غربی، ریاست های امور زنان فعالانه به آگاهی دهی راجع به حقوق زنان و محو خشونت علیه زنان و همینطور قانون منع خشونت علیه زن پرداخته اند. در بعضی از آن ولایات اشخاص ذیدخل در امور زنان در مصاحبه های شان با یوناما گفتند که تلاشهای آگاهی دهی در افزایش گزارش دهی واقعات خشونت علیه زنان موثر واقع شده اند.

در پهلوی مشاهده مثالهایی از نقش مثبت ریاست های امور زنان در رسیدگی به واقعات خشونت علیه زنان، دفتر یوناما همچنان مشاهده نموده است که موثریت ریاست های امور زنان به طور وسیع به تعهدات رؤسای آن ادارات بستگی دارد. در بسیاری از مناطق ریاست های امور زنان میکانیزمهای موثر حفاظتی برای قربانیان خشونت علیه زنان را تدارک دیده اند تا قربانیان در شریک ساختن و گزارش دادن آلام شان احساس راحتی نمایند. در بعضی ولایات ریاست های امور زنان در جلوگیری از وقوع بعضی خشونت ها بسیار موثر عمل کردند. به طور مثال در ولایت بغلان یک دختر نه ساله به ریاست امور زنان مراجعه نموده و شکایت میکند که کاکای وی میخواهد او را به عقد پسرش در آورد تا از این طریق زمین میراثی اش را تصاحب کند.^{۹۷} ریاست امور زنان وی را در دعوی مدنی اش در محکمه ولایت کمک نمود. محکمه مادر وی را سرپرست امور او تعیین نمود، ملکیت میراثی اش را نیز برای وی تفویض نمود و به کاکایش امر کرد که از ترتیب دادن ازدواج اجباری و زیر سن منصرف شود.

در موارد دیگر، ریاست های امور زنان به فساد و به خطر انداختن قربانی متهم شدند. اتهام فساد در قبال یک رئیس ریاست امور زنان که منجر به کشته شدن قربانی گردید، نشان میدهد که داوطلبان همچون یک موقف (ریاست امور زنان) حساس و پر مسئولیت باید به طور درست تزکیه اداری شوند.^{۹۸}

ثبت و حفظ واقعات خشونت علیه زنان توسط ریاست های امور زنان هنوز هم دارای چالشهای متعدد است. به طور مثال در ولایت بغلان رئیس امور زنان آمار منظم از قضایای خشونت علیه زنان را که میتواند با یوناما شریک سازد، ثبت ندارد. ریاست های امور زنان همچنان به میانجیگری و ارجاع قضایا به شمول بعضی قضایای شدید به ساختارهای سنتی حل منازعات ادامه داده اند. ریاست امور زنان در ولایت نیمروز به یوناما گفت که تمام قضایا به شمول قضایای تجاوز، زنا، اجبار به خود سوزی و قتل را که آن ریاست در جریان سال گذشته دریافت نموده است یا آنها را میانجیگری نموده و یا به ساختارهای سنتی حل منازعات احاله نمود که این خود در تناقض با الزامات قانون منع خشونت علیه زن می باشد.

^{۹۷} "کاکایم می خواهد مرا به عقد پسرش در آورد صرف به خاطر ملکیتی که من از پدر مرحومم به ارث بردم، اما من شوهر نمی خواهم، من میخواهم به آموزش و تحصیلاتم ادامه بدهم و با مادرم زندگی کنم." ...، یک دختر ۹ ساله و شاگرد صنف سوم. ولایت بغلان، توسط یوناما به تاریخ ۱۴ اپریل ۲۰۱۲ در پلخمیری مصاحبه گردید.

^{۹۸} به تاریخ ۱۸ فبروری ۲۰۱۲ یک زن ۲۰ ساله در ولسوالی احمد آباد ولایت پکتیا بنا بر ادعا توسط شوهرش با شلیک مرمی به قتل رسید. برطبق گزارش، قربانی قبلاً به خاطر نجات از خشونت خانگی و تجاوز جنسی که خسرش علیه او مرتکب شده بود فرار کرده و از رئیس امور زنان ولایت پکتیا درخواست کمک میکند. رئیس امور زنان وی را برای شش روز در خانه خود نگه میدارد. بنابر ادعا، بعداً وی خانواده قربانی را مطلع میکند و میگوید که زن مذکور توسط شورشیان اختطاف شده بود که برای برگرداندن او آنها سه صد هزار روپیه پاکستانی مطالبه دارند. ادعا شده که رئیس امور زنان در یک جلسه ای که در ریاست امور زنان دایر شده بود، بعد از دریافت "پول سر بها" قربانی مذکور را به خانواده او تسلیم میکند. چند روز بعد قربانی با شلیک مرمی توسط شوهرش به قتل می رسد. تحقیقات پولیس جنایی در پکتیا به این نتیجه رسید که رئیس امور زنان در قتل قربانی دخیل نبوده است. پولیس شوهر و خسر قربانی را دستگیر نموده و قضیه به محکمه ابتدائیه احاله شد. معاون والی ولایت پکتیا برکناری رئیس امور زنان را بر اساس مکتوب وزارت امور زنان به کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی، تأیید کرد. به تاریخ ۱۴ سپتامبر سرپرست جدید مسئولیت پیشبرد امور ریاست امور زنان ولایت پکتیا را به عهده گرفت. نظارت ساحوی یوناما، ملاقات های یوناما با تحقیقات جنایی، دفتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در پکتیا، اعضای شورای ولایتی.

۶. نتیجه گیری

یوناما از تعهدات دولت افغانستان در قبال محو خشونت علیه زنان و انکشاف تطبیق قانون منع خشونت علیه زن استقبال می نماید. در عین حال به این نظر است که نگرانی های جدی در قوانین، پالیسی ها و در اجراآت مقامات نسبت به جلوگیری و رسیدگی به خشونت علیه زنان هنوز پابرجاست.

پس از تنفیذ قانون منع خشونت علیه زن، لوی خانونالی سه متحدالمال را راجع به تطبیق درست قانون مذکور، تعقیب عدلی اشخاص دخیل در رفتارهای زیان آور مانند ازدواج اجباری و بد دادن، اجتناب از تعقیب بی مورد فرار از منزل که عنصر جرمی در قوانین افغانستان نداشته باشد و ترتیب دوسیه های بی محتوا صادر نمود.^{۹۹} تطبیق درست این متحدالمالها در سراسر کشور هنوز به طور پراکنده و سلیقه ای می باشد. یافته های یوناما نشان میدهد که با وجود تطبیق فزاینده قانون منع خشونت علیه زن توسط خانونالی ها در صورت دعاوی شان، هنوز هم این رقم فیصدی پائین کل قضایای دریافتی توسط نهادهای تنفیذ قانون و ریاست های امور زنان را تشکیل میدهد. تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط محاکم حتی پایین تر از این می باشد.

یافته های یوناما همچنان نشان میدهد که فعالیت های آگاهی دهی توسط سازمانها و نهادهای مدنی مدافع حقوق زنان و ریاست های امور زنان در بعضی ولایات، بر افزایش گزارش دهی واقعات خشونت علیه زنان به مقامات تنفیذ قانون، ریاست های امور زنان و دفاتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تاثیر نموده است. با وجود این تلاشها دسترسی قربانیان به عدالت همچنان به شدت محدود بوده و توسط عوامل مختلفی که در این گزارش بحث گردید، مختل می گردد. بیشترین چالشهایی که زنان در دسترسی به عدالت مواجه اند در مراحل تحقیق و تعقیب عدلی رخ میدهد که مسئله عملکرد محاکم در تطبیق قانون منع خشونت علیه زن را قابل بحث باقی می گذارد. به منظور تطبیق بهتر قانون منع خشونت علیه زن تلاشهای بیشتری در سطح پولیس و خانونالی برای بهبود گزارش دهی و تحقیق قضایای خشونت علیه زنان ضرورت است.

ثبت منظم و سیستماتیک قضایای خشونت علیه زنان توسط ریاست امور زنان، پولیس، خانونالی و محاکم برای درک بهتر درجه، طبیعت و وسعت عوامل خشونت علیه زنان کاملاً ضروری می باشد که می تواند بعداً در ارائه اصلاحات و راه حلها موثر واقع گردد. افزون بر آن، رشد ظرفیت کارمندان ادارات تنفیذ قانون، آموزش و آگاهی دهی و توانمند سازی نهادهای مدنی برای نظارت از تطبیق قانون منع خشونت علیه زن و آموزش قانون مزبور برای عامه مردم باید به طور دوامدار در محراق توجه در تمام سطوح باشد.

یوناما متوقع است که با در نظر داشت تعهدات تجدید شده در چاچوکات حسابدهی دوجانبه توکیو (Tokyo Mutual Accountability Framework)، دولت افغانستان با حمایت همکاران بین المللی آن تلاشهای بیشتری را برای احترام به حقوق زنان و تأمین حفاظت های بهتر برای قربانیان خشونت علیه زنان با استفاده از قانون منع خشونت علیه زن، به خرج دهند. سفارشات ذیل را یوناما به منظور حمایت از تطبیق بهتر قانون منع خشونت علیه زن و توسعه حمایت از زنان در مقابل خشونت، پیشکش میکند.

^{۹۹} (الف) متحدالمال لوی خانونالی راجع به تطبیق قانون منع خشونت علیه زن ۱۳۸۹/۱۰/۱۸ شماره ۱۰۰/۳۵. (ب) متحدالمال لوی خانونالی راجع به تعقیب عدلی افرا دخیل در ازدواجهای اجباری و بد دادن از قبیل (عاقده، مصلح، شاد و وکیل) ۱۳۹۰/۱۱/۴. (ج) مصوبه شورای عالی خانونالی راجع به اجتناب از تعقیب بی مورد واقعات فرار از منزل که در قوانین افغانستان عنصر جرمی ندارند و ترتیب دوسیه های بی مورد در این ارتباط، ۱۳۹۰/۱/۱۶.

۷. سفارشات

به حکومت افغانستان

- در عالی ترین سطوح به شمول رئیس جمهور، همچنان در انتظار عامه تاکید نمایند که حمایت و حفاظت از حقوق زنان بخش جدا ناپذیر و اولویت اساسی صلح، مصالحه و ادغام مجدد در سراسر افغانستان بوده و ستون مرکزی راهبردهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشور می باشد.
- دفتر ریاست جمهوری به والیان هدایت صادر نماید و آنان را متوجه مسئولیت های شان در قبال رهبری کمیسیون های ولایتی منع خشونت علیه زن بسازد، چنانچه این امر در رهنمود کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن نیز تصریح گردیده است.
- در همبستگی با شرکای بین المللی، یک چارچوب نظارت بر اجرای تعهدات مربوط به تساوی جنسیتی، توانمندسازی زنان و تطبیق موثر قانون منع خشونت علیه زن، مندرج در اعلامیه توکیو و فرمان شماره ۴۵ ریاست جمهوری را انکشاف دهد.

به وزارت امور زنان و کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان

- یک میکانیزم نظارت به منظور بررسی عملکرد کمیسیون های ولایتی و حمایت آنها در تدوین پلانهای کاری و کسب دانش و مهارت های لازم برای انجام مسئولیت های شان، تأسیس نماید.
- از جامعه مدنی بشمول نمایندگان نهادهای غیر دولتی فعال در عرصه حقوق زنان، مسئولین خانه های امن و همکاران بین المللی دعوت نماید تا در نشست های کمیسیون عالی بطور ناظر به منظور ارائه گزارش راجع به موضوعات مشخص و حمایت فعالانه از کارهای کمیسیون، اشتراک نمایند.
- میکانیزمهای ارجاع را در سطح ولسوالی طرح و اجراء نموده و به منظور تسهیل و پی پیگیری معرفی قربانیان خشونت علیه زنان به نهادهای ذیربط تنفیذ قانون و پیگیری قضایای آنها در آن ادارات و یا معرفی به ارائه کنندگان خدمات سرپناه، حمایت روانی- اجتماعی، حمایت حقوقی و مراقبت های صحی؛ یکی از ادارات عضو کمیسیون مذکور به نمایندگی از آن این میکانیزم را مطابق به ماده ۱۶ قانون منع خشونت علیه زن هماهنگ نماید.
- یک رهنمود را راجع به چگونگی کاربرد میانجیگری به منظور حفاظت کامل قربانیان خشونت انکشاف دهد، طوریکه این رهنمود بتواند مورد استفاده ریاست های امور زنان، پولیس و خارنوالی ها به شمول خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان قرار گیرد.
- وزارت امور زنان در هماهنگی با وزارت امور داخله، وزارت عدلیه و لوی خارنوالی یک شاخص معیاری دسته بندی و طبقه بندی (خشونت علیه زنان) را انکشاف دهد که مشترکاً توسط تمام ارگانهای تطبیق قانون و ریاست امور زنان در ثبت تمام انواع خشونت علیه زنان به شمول قضایایی که در قانون منع خشونت علیه زنان جرم انگاری نشده اند مانند قتل های ناموسی، آنچه جرایم اخلاقی گفته میشود و تفکیک آنها از قضایای مدنی؛ مورد استفاده قرار گیرد.

به وزارت عدلیه

- همراه با کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن و مرکز ملی آموزش حقوقی، برای کارمندان ارگانهای عدلی و قضایی دوره های آموزشی را در مورد قانون منع خشونت علیه زن برگزار نماید. قضات و خارنوالانی را که این قانون را موفقانه تطبیق کرده اند در آموزش دیگران دخیل سازند.
- اطمینان حاصل نماید که هر قانونی که رابطه میان نظام عدالت رسمی و ساختارهای سنتی حل منازعات (جرگه ها و یا شوراها) را تعریف و تعیین می کند، مطابقت این ساختارها را با قوانین داخلی بشمول قانون منع خشونت علیه زن بهبود بخشیده و آنها را از رسیدگی به جرایم خشونت بار و شدید منع بدارد.

به ستره محکمه

- برای محاکم در مورد احکام قانون منع خشونت علیه زن هدايات و توضیحات لازم را بشمول تطبیق حتمی قانون مزبور در هماهنگی با سایر قوانین افغانستان صادر نماید.
- اطمینان حاصل نماید که تمام قضات آموزشهایی را راجع به قانون منع خشونت علیه زن دریافت میکنند و این آموزشهایک بخش الزامی برنامه های آموزشی باشند.
- به دیوان جزای عمومی و ریاست تفتیش هدایت دهد تا تطبیق درست قانون منع خشونت علیه زن در مورد قضایای خشونت علیه زنان توسط محاکم را نظارت کنند.
- در سرتاسر کشور در چوکات محاکم فامیلی و یا محاکم شهری، ایجاد دیوان های اختصاصی رسیدگی برای جرایم خشونت علیه زنان را در نظر بگیرد. قضات موظف در این دیوان ها مهارت های مقتضی را انکشاف داده و دیوان جزایی عمومی را در رسیدگی به انبوهی از دعاوی یاری میرساند.^{۱۰۰}
- تفسیر واضح از ماده ۳۹۸ قانون جزا که مجازات قتل هایی را که تحت نام "دفاع از ناموس" ارتکاب میگردد تخفیف میدهد، صادر نماید تا جلو سوء استفاده از این ماده را بگیرد و همچنان در راستای لغو آن نیز اقدام نماید.

به لوی خانونالی

- توظیف خانونالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در کابل برای نظارت و پیگیری تمام قضایای خشونت علیه زنان که به ستره محکمه میرسد را مورد بررسی قرار دهد. این امر میتواند در تشکیل سال ۱۳۹۲ (۲۰۱۳) لحاظ گردد.
- اطمینان حاصل نماید که ریاست خانونالی جزای عمومی و سایر ریاست های مربوطه لوی خانونالی از نحوه تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط خانونالی ها، نظارت به عمل می آورند.
- به ایجاد و حمایت از کمیسیون ها و یا واحدهایی که مختص تعقیب عدلی قضایای خشونت علیه زنان می باشد در دفاتر خانونالی های ولایتی، ادامه دهد و منابع بشری واجد شرایط و منابع لوجستیکی کافی در اختیار آنها قرار دهد.
- یک بانک اطلاعات مرکزی (Central Database) برای تمام قضایای خشونت علیه زنان را برای تمام خانونالی ها به شمول خانونالی های اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان، ایجاد نماید. تحقیق و تعقیب عدلی درست قضایای خشونت علیه زنان را با استفاده از افزودن شاخص اجراءات خانونالان در قبال رسیدگی به اینگونه قضایا در سیستم ارزیابی اجراءات لوی خانونالی، تشویق نماید.

به وزارت امور داخله

- حساس سازی پولیس در قبال خشونت علیه زنان و نقش آن در پاسخ دهی به نیازمندی های قربانیان را مطابق قانون منحصی بخشی از آموزشهای اساسی پولیس بگنجانند.
- برای اداره تحقیقات جنایی پولیس، بشمول واحد پاسخدهی به خشونت های فامیلی، رهنمودهایی را صادر نماید که در آن انواع تخلف هایی را که باید تحقیق و تعقیب عدلی گردد و آن مواردی را که پولیس میتواند میانجیگری کند واضح و روشن سازد، و اطمینان حاصل کند که قضایایی که توسط پولیس به میانجیگری محول شده و یا توسط خود این واحد میانجیگری میگردد، بشکل درست ثبت و بطور رسمی مستند شود.
- آموزشهای خاصی راجع به قانون منع خشونت علیه زن برای تمام کارمندان واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی دایر نماید.
- اطمینان حاصل نماید که تمام زنانی که برای دریافت کمک به پولیس مراجعه میکنند، بتوانند به طور بلا واسطه و فوری با واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی مشوره نمایند.

۱۰۰ فقره ۲ ماده ۵۰ قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان مصوب ۱۳۸۴ ملاحظه گردد.ستره محکمه می تواند عند الضرورت دیوان های دیگری را در چوکات محاکم ابتدائیه مراکز ولایات بعد از منظوری رئیس جمهور ایجاد نماید".

- اطمینان حاصل نماید که واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی بخشی از ریاست عمومی تحقیقات جنایی بوده و کارکنان این بخش از مزایای آموزش ها در مورد شیوه های تحقیق و تفتیش مستفید گردند و همچنان قادر باشند که بطور کامل در تحقیق جنایت هایی که در آن خشونت های خانگی، تجاوز جنسی و یا سایر انواع خشونت علیه زنان شامل اند، سهم بگیرند.
- اطمینان حاصل نماید که کارکنان پولیس زن به وظایف مسلکی توظیف گردیده و به آنان نیز فرصت مساوی ارتقاء و ترفیع داده شود.
- به منظور تضمین محافظت از قربانیانی که پس از میانجیگری قضایای شان به خانواده و اجتماع خویش بر میگردند، یک ساختار موثر برای ثبت درست و پیگیری این گونه قضایا ایجاد نماید.
- یک بانک اطلاعات مرکزی (Central Database) برای تمام قضایای خشونت علیه زنان انکشاف دهد و اطلاعات ادارات تحقیقات جنایی، واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی و سایر نهادهای ذیربط در پولیس را در آن وارد نماید.
- ثبت، تحقیق و تعقیب درست قضایای خشونت علیه زنان را با استفاده از افزودن شاخص سنجش اجراآت افسران پولیس خط مقدم در قبال رسیدگی به اینگونه قضایا در سیستم ارزیابی اجراآت پولیس، تشویق نماید.

به تمویل کنندگان بین المللی

- حکومت افغانستان را در قسمت تطبیق اعلامیه توکیو از طریق سوق دادن کمک های انکشافی خویش به سوی تعهدات داده شده در اعلامیه مذکور راجع به تساوی جنسیتی، توانمند سازی زنان و تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان یاری رسانده و یک چارچوب نظارتی مشترک با شاخص های معین جهت سنجش پیشرفت در این عرصه ها را ایجاد نمایند.
- از تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان (۱۳۸۷-۱۳۹۷) به ویژه طرح و اجرای استراتژی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط حکومت، حمایت به عمل آورند. به خصوص از ایجاد یک استراتژی ملی برای تطبیق قانون منع خشونت علیه زن و حمایت از برنامه های دارای اولویت ملی "قانون و عدالت برای همه" و "ظرفیت سازی جهت تسریع تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان" حمایت نمایند.
- برنامه هایی را برای ارائه خدمات تخنیکی و حمایت از دفاتر خاړنوالی و محاکم در ولایات، خصوصا با هدف تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسعه دهند.
- حمایت شان را از مراکز حمایوی زنان که برای زنان قربانی خشونت سرپناه آماده کرده و آنها را مورد حمایت قرار میدهند، افزایش دهند.

